

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
وپایگاه دالخلیش



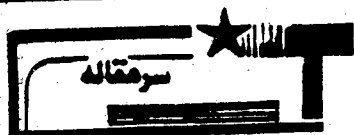
کارگران وزحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال ششم - شماره ۱۸۶

پنجشنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۶۳

صفحه ۱۸



عرفات سازمان آزادیبخش فلسطین را
به کجا میبرد؟
و چپ انقلابی چه راهی در پیش دارد؟

کوششهای ماههای اخیر برای جلوگیری از یک شکاف اجتناب ناپذیر در سازمان آزادبخش فلسطین با ناکامی روبرو گردید و آنچه تاریخاً می باید به وقوع می پیوست صورت گرفت.

واقعیت اینست که ترکیب ناهمگون و تضاد نیروهای درون سازمان آزادبخش فلسطین به مثابه انعکاس تضاد ها و کراهیات طبقاتی متفاوت در میان مردم فلسطین، اتاژمانی می توانست تحت الشعاع تضاد اساسی بادشمن اصلی و خارجی یعنی صهیونیسم اشغالگر قرار گیرد که آمدن او واقعی مشترک، حقیقتاً موجود بود میوه هر ستیز صهیونی نیز در فعالیتهای روزمره آن نیروها بصورت ملموس جاری باشد. یعنی آنکه نیروها در برنامه و در عمل خود آنچنان استراتژی را دنبال کنند که چشم انداز روشنی بخش واقعیت و تحقق آرمانیهای رهبری بخش را بصورت ملموس تلقین نماید، کارگران وزحمتکشان و عموم بقیه در صفحه ۲

پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت آغاز برنامه رادیو صدای فدایی

در صفحه ۳

بودجه ۶۴: افزایش تورم، رکود و بیکاری

جناحهای حاکم تشدید شده و امر وحدت در میان آنها که بمسائلهای مبرم و حیاتی اما غیر قابل دسترس تبدیل شده است. از هم گسیختگی اقتصادی و سیاسی و نارضایتی توده ها جدی رسیده است که امید امام را هم به تکاپو و بقیه در صفحه ۵

بودجه سال ۶۴ در زمانی بمجلس ارائه شد که بحران اقتصادی - سیاسی ابعاد بی سابقه ای یافته است. فقر و فلاکت و صحرایی تودها تشدید شده و نارضایتی کب جامعه را فرا گرفته و اعتراضات آشکار توده های قوس صمدی می پیچاید. تناقضات

ساخت اقتصادی روستاهای ایران

قشر بندی دهقانان (۴)

تشکیل می داد و بر جامعه مسلط شد. بطور حده و آماج اصلاحات ارضی عبارت بودند از: ۱- آزمون برداشت انواع توسعه سرمایه داری و لذا تسهیل شرایط صدور سرمایه مالی، ادغام ارگانیک سرمایه داری ایران در بازار جهانی سرمایه داری و به طر پایگاه داخلی امپریالیسم، ۲- از میان برداشتن زمینهای بالقوه جنبش های رهایی بخش ضد استعماری بقیه در صفحه ۷

در اوایل دهه ۱۳۳۰ رژیم حاکم دچار بحران شد بد شد. بحران اقتصادی - سیاسی سالهای فوق الذکر در وجه غالب اساساً تناقضات روستاها و دوران گذار را منعکس می نمود. لذا تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران الزام آور بود. اما در خلا یک جنبش انقلابی - دموکراتیک شیوه ارتجاعی - بورژوازی تحولات که محور آنرا اصلاحات ارضی امپریالیستی

در این شماره

○ پیام هیئت تحریریه...

○ یادداشت های سیاسی

○ضمیمه خبری

بخش نشریات سازمان در خدمت جنبش انقلابی

هر روز به نوعی برگشت های رنگارنگی می افزاید. تمامی ارگانهای سرکوب و آرای گشهای طنی و مخفی هستند و عوامل مسلح رزم چون سگانی ولگرد بطور شبانه روزی در هر کج و خبیان خفیه در آزند و بران شکار انقلابیون را می گسترند. در سایه حکومت بقیه در صفحه ۱۳

بایهای رشد آگاهی توده ها و روی آوری آنها به مبارزه انقلابی، دیگر سرکوب و شکار بقتد ریح نقش باز دارند خود را از دست میدهند. هر چند که بهر وظایف انقلابی بهر مانده همچنان باد شورشهای سیاسی مواجه است اما ابتکار انقلابی برای مقابله با آن بهترین راه گشاست. رژیم

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

عرفات سازمان آزادیبخش فلسطین را به کجایمیرد ...

تودمهای تحت ستم را بشوراند ، مبارزات
آنها را عین انقلابی بخشد و در سطوح
مختلف بسوی هدف مشخص رهبری نماید .
اما آیا سازمان آزادیبخش فلسطین بسا
ترکیب ساختار رهبری و ضمن حقیقی
برنامه ای می تواند از عهدہ چنین امر
مهمی برباید ؟

اگر شکست خفت بار ۱۹۶۷ ارتش های
پرسیده و جدا از مرد وابسته به دولتهای
عربی از اسرائیل در جنگ ۶ روزه لازم بود
تا برای همیشه به اسطوره شایستگی یهودانی
عرب در پرچم آری جنبش ملی انقلابی ،
ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی پایان
دهد و بر ضرورت بسیج تودمها و رهبری
انقلابی آنان در یک جنگ تمام عیار خلقی
تاکید کند ، اما خلاہ رهبری انقلابی در
جنبش فلسطین موجب آن شد تا هرگونه
حمایت بهدربار زحمتکشان خلقهای عرب از
سازمانهای مختلف فلسطینی ، کموجودیت
و اعتبار خود را بر مبنای عملیات فدائی و جنگ
های پارتیزانی بودند ، نتواند بدست
سست و سوراخ شود و نهایتاً باعث
قدرت گیری گرایشات سازشکارانه یهودانی
و خود یهودانی در رهبری سازمان آزادیبخش
فلسطین ، برغم بسیاری از ستار و هاد رنگ
این جنبش از شکستی بهمک شکست دیگر
کشانده شود .

آخرین شکست ، بعد از مقاومت تاریخی
بهرت یعنی پراکنده شدن زخمیل نیروهای
جریکی این جنبش در اردوگاههای تحت
نظارت دولتهای عربی ، بدنبال آن شد بد
مذاصحات داخلی حاکم از مجموعه تشادعی
بهمیندهای عربی که هر کدام در پی بسط
نفوذ و قومیت ارتجاعی خود در این جنبش
می باشند ، امری که حال پیش از انتخاب
محیت پاریس در گوریهای خونین داخلی
فلسطینیان در طرابلس و در بقاء بود ،
ثابت کرد که مجموعه تاهلکون نیروهای
وابسته به طبقات مختلف جامعه فلسطینی ،
دیگر نمی توانند در زیر یک سقف سیاسی ،
چیزی بپایان بیاورند فعال مشترک داشته باشند .
ناگفته نماند که در این میان ، ارتجاع سوریه
با پوشش دفاع از جنبه های مخالف عرفات
چه در بهمن و چه در داخل القیچ که خود
ملقه ای از گرایشات راست تاجب راشامل
می شد و انفعال و حتی مواضع انحرافی
سازمان هائی نظیر جبهه خلق برای آزادی
فلسطین و جبهه دموکراتیک و وجود
جریان هائی مشکوک مانند الصافه و جبهه
خلق فرماندهی عمومی که شاخه های از ارتش
و ضد اطلاعات سوریه در داخل جنبش
فلسطین بمحاسب می آیند و تهدید شقی
مزدوران سبای پاد اران و سازمان ارتجاعی
امل یعنی شاخه حزب الله در لبنان و نیز
محمود ارتجاعی دیگر یعنی محور مصر ،

عربستان سعودی ، اردن و دیگر شیخ
مرتجع عرب که حامیان و مدافعین آشکار
خطا و خطای پدید بمحاسب می آیند ، عوامل
مهمی بودند که در تشدید مذاصحات
واقع شدند . در زیر بار خونینی که بحر
انزجار و نرت و تاسد همه در میان واقعی
جنبش فلسطینی را برانگیخت و انتظار که
انت از عرفات ، چنان زمینل بوجود آورد که
وقتی عرفات در همین در گوریهای خونین
داخلی ، طرابلس و بقاء ، مجبور به تسکین
لبنان از راه دریانند ، در میان بی تفاوتی
نسبی انکار عمومی فلسطینیان ، گستاخانه
بعد از حاکم مصر برود و آشکارا خط مشی
واقعی خود را که همانا خط مشی یهودان
عرب است اعلان نماید . حرکت در مسیری
که بایانی جز به رسمیت شناختن موجودیت
صهیونیستی اسرائیل نخواهد داشت .
گرچه در انزمان سایر رهبران القیچ اعلام
کردند که در جریان تصمیم عرفات قرار
نداشته اند و مسئولیت این اقدام باصطلاح
خود سرانه را شوجت بخیر عرفات دانسته و
عده برآورده وین را دادند ، اما امروزه
با انتداب مجدد وین بعنوان رئیس
سازمان آزادیبخش فلسطین و ابقایش
در همان مقام رهبری القیچ طی اجلاس
آخر شورای ملی فلسطین ، آنها را بی
مانوریت که در جلسات رای گیری صورت گرفت
بمروشی ثابت شد که شورای ملی فلسطین
در مسیری حرکت خواهد کرد که عرفات
بعنوان مظهر سازشکاری یهودانی فلسطین
برای آنان ترسم نموده است ، بسوی
کجایمیرد .

عرفات بر تودم تودمهای مردم فلسطین
رنج سالها پریشانی ، در بدین و بی
خانگانی ، کشتار و تجاوز بجان آمده اند
سوار است و به آنها عده ایجاد وطنی
منتقل را می دهد که می خواهد رسمیت را
از اسرائیل و آمریکا کاتی کند . عدم
توانائی تمامی جریان های چپ انقلابی
موجود در جنبش فلسطین از قبیل جبهه
خلق برای آزادی فلسطین ، در مسیر
سازماندهی عمل مستقل انقلابی تودمهای
زحمتکش چه در داخل و چه در خارج
فلسطین و نیز پاره ای اختلافات آنها که
انعکاس ترکیب طبقاتی جامعه فلسطین و
پراکندگی مغرط آنان در مناطق مختلف
است و در یک کلام فقدان یک بدیل حقیقی
انقلابی و قدرتمند در جنبش انقلابی
فلسطین ، بهترین زمینه را برای عرفات
بوجود آورده است تا جنبش فلسطین را با
آنها دستاورد ، در آستان ملک اردن ،
فرعون مصر و سرود اران صهیونیسم و
امپریالیسم قریانی کند . انرا وسیله قیاد
و هد تاشیح نشین ، دیگری بر شین نشینهای
عربی اضافه نماید . شاید یهودانی فلسطین
زاحت تر بتواند بروهبت استثمار نیروی کار
زحمتکشان فلسطین سهم گردد .
جنبش فلسطین بیش از هر زمان دیگر
اکون در مقابل این سوال قرار دارد که آیا

از این سه تحریر حوسارچگونه درس خواهد
گرفت . هر نیروی در درون این جنبش که
خود را انقلابی و چپ میدانند در مقابل
این پرسش مهم قرار خواهد داشت که چگونه
می خواهد سهم خویش را در ریبون کشاندن
جنبش انقلابی از بحرانی اینگونه زمین ادا
نماید ؟ باید با گرایشات سازشکارانه ،
رفرمیستی و رومونیستی در درون جنبش
انقلابی فلسطین تعیین تکلیف شود .
باید با گرایشات انارشیستی که به شکلی
دیگر ضمن طبقاتی جنبش را خدشدار
بیسازد و برغم رنک و لعاب انقلابی و شور
آفرینی موقت ، فاقد محتوای انقلابی واری
از کوهر پیگیری است مرز بندی گردد . باید
کارگر و زحمتکش فلسطینی را از خود جدا
هدنی با سرمایه دار و ملک فلسطینی
رهانید و او را به منافق حقیقی خویش
عمیقاً آگاه کرد . باید کینه کور بدیود
را که جز واکنشی کور در برابر ستمی شود
نمیشی اما عمیقاً طبقاتی تاریخی است
که نه دین می شناسد و نه نژاد و رنگ ، به
کینه ای اساساً ضد سرمایه اری تبدیل
کرد و انرا در کوهر مبارزه طبقاتی که افخته
و صیقل داد . جنبش انقلابی فلسطین
باید همچنان بر محور قهر انقلابی و ضرورت
تعیین تکلیف با دشمن در یک عرصه
طولانی مبارزه مسلحانه تودمهای تاکیدی
چپ انقلابی فلسطین بایست
رهبری انقلابی و خشتکی نلایم چنان جنگ
انقلابی را تدارک ببیند . چپ انقلابی
فلسطین باید راه خود را در میان تودمهای
کارگر و زحمتکش تحت استثمار و ستم تمامی
سرزمین فلسطین اعم از عرب و غیر عرب
هرچه بیشتر و عمیق تر باز کند . برادری
کارگری در میان همه کارگران که توسط
سرمایه بی نژاد ، بی رنگ و بی مذهب در
تمامی سرزمین اشغال شده اش به بند
کشیده شده اند ، ترویج و تفهیم نماید و
پیوند جنبش انقلابی فلسطین را با جنبشهای
انقلابی دیگر خلقهای منطقه و جهان
گسترش بخشد . در یک کلام نقطه اتکای
جنبش انقلابی فلسطین ، باید از مراکز
دولتهای عربی که خود عوامل شد بدترین
ستمها بر زحمتکشان خویش اند ، به قلب
کارگران و زحمتکشان در فلسطین و در
کشورهای منطقه و در جهان منتقل شود .
چپ انقلابی فلسطین ، راهی جز آنکه
برشمر دم ندارد . راهی که منحصر به این
با آن جنبش انقلابی در این با آن گوشه
جهان نبوده و از قانونی جهانشمول
برمخیزد . هیچ جنبش انقلابی نمی تواند
بمهریزی برسد مگر آنکه توسط طبقه کارگر
و حزب انقلابی بهین که مسلح بهاید تلوژی
انقلابی باشد رهبری شود .

زنده باد انقلاب فلسطین



هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

پیام کمیته مرکزی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت

آغاز برنامه رادیکال فدائی

کارگران و زحمتکشان

لشکر و هواداران سازمان

فدای فدائی، رادیکال سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در شرایطی کار خود را آغاز می کند که مبارزه بین انسان تودمهای زحمتکش مردم ایران، علیه رژیم فوق ارتجاعی حاکم بر ایران، هرروز اشتیاق بیشتری می یابد و وظایف مردم و متعددی در برابر جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار گرفته است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، این رژیم پاسدار نظم مستمرانه سرمایه داران که در عرصه های مختلف اقتصادی و سیاسی با بحران ظرف و مزمن روبروست و پایه های نظم مستمرانه ارتجاعی حاکم راست منزلت می یابد، برای مهار زدن بروج عصبان و تاراجاتی تودمهای مردمی، تود و سرکوب خونینی را بر مرحله عمل درآورده است و در پشتبانی نیروی پستی ایران و شان گسیختن را برقرار ساخته است. ستم اقتصادی و سیاسی که این رژیم بر ملیونشانتان ارتوده - های مردم ایران تحمیل کرده است، در آرای آنجهان ابعادی است که نظیر آنرا کمتر می توان پیدا کرد. شرایط مادی زندگی مردم، حقیقتاً سخت و شقت بار است. سطح بسیار نازل زندگی، گرانی حیرت آور کالاها، مورد نیاز زحمتکشان، سطح بسیار نازل دستمزدها، استثمار هولناک کارگران و اردوی عظیمی از کارگران بیکار، فقر، گرسنگی و ده ها مصیبت ارتجاعی دیگر چنان شرایط دشوار و طاقت فرسایی را پدید آورده که مردم ایران تحمل نموده است که هرگز سابقه نداشته است. این فشارهای اقتصادی با ستم و فشار سیاسی مضاعف شده است. رژیم که نه می خواهد و نه می تواند به درخواستهای بروج عادلانه زحمتکشان ایران پاسخ گوید، برای حفظ و بقای حاکمیت شکن خونین و اختناق و سرکوب را محکم اعلام رسانده است. ابتدا این ترین حقوق مدنی و انسانی را از

تودمهای مردم سلب نموده است. حقوق و آزادیهای دموکراتیک را مطلقاً از میان برده است. ده ها هزارتن از کارگران و روشنفکران انقلابی ایران را به محبوسه اندام سپرده است. اما رژیم به این فجایع بسنده نکرده است. در اثر جنگی که اکنون بیش از چهار سال مداوم ادامه یافته، ده ها هزارتن از فرزندان زحمتکشان ایران را در میدانهای جنگ بمباران و خنجر کشیده است. تعدد آتشبار مطلق و آوارمانا بودن روزافزون بخش عظیمی از توده های مادی جامعه، جلوه های دیگری از سیاستهای فوق ارتجاعی رژیم است. اما تمامی فجایع و مصائبی که این رژیم بیمار آورده است، او را بیش از پیش در خنجراب بحران فرو برده و تضاد های اجتماعی را عمیق تر و حادثه تر کرده است. مبارزات تودمهای مردم که زیر شدیدی ترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار گرفته اند، مدتهاً اعتدال و گسترش می یابد. انتصابات خنثی کارگران، بروج وحشی - گرایی و دودشینی های این رژیم پاسدار سرمایه علیه کارگران، بارزترین تجلی رشد روزافزون مبارزات تودمها است. تداوم مبارزه مسلحانه تودمهای زحمتکش مردم گردستان علیه رژیم نیز نخستین جرقه های این شکل مبارزه در میان مردم بیروستستان، جرقه هایی که مردم در اینجا و آنجا، زمانی در افسر به تهران و زمانی دیگر در آمله به دیده می شود، همگی توده بخشش انفجار قریب الوقوع خشم و عصبانیت سراسری تودمهاست. نشان دهنده این واقعیت است که بزودی حریق عظیم سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت و تمامی مرتجعین را در آتش خود خواهد سوخت. همه علائم موجود نشان دهنده این واقعیت است که سقوط این رژیم تبهکار و ارتجاعی قطعی است. رژیم همین چشم انداز و آینده دار جز سرنگونی ندارد.

در چنین شرایطی، وظایف هر بزرگ در برابر طبقه کارگر ایران بشماره رهبر انقلاب و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بشماره بخش پیشاهنگ، مظهر آگاه و وجدان بهادر طبقه کارگر ایران قرار گرفته است. طبقه کارگر ایران با تمام تجارب ارزشمندی که طی چند سال اخیر از مبارزه آشکار و انقلابی خود کسب نموده است، این صلاحیت، لیاقت و شایستگی را دارد که رهبری مبارزات تودمهای مردم را در دست گیرد. انقلاب را به فرجام پیروزندش برساند و اجازه ندهد که بتکار و پلنگر مرتجعین امثال خمینی، بروج تاراجاتی تودمهای مردم سوار شوند و انقلاب را به یکجسره بکشانند. چراکه از هم اکنون کسانی که نزدیک شدن طایفان انقلاب را احساس کرده اند، به تکاپو افتاده اند. نیروی ملی مقاومت و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق که تمام برنامه های آنها نشان می دهد که خواهان هیچ تغییر اساسی در وضعیت موجود نیستند، به تودمهای ستم دیده و زیر کشیده از رژیم جبروری اسلامی وعده و وعید می دهند که بیکار و بی سرجمهوری اسلامی را که البته بجای خمینی رجوعی در رأس قرار گرفته باشد، ازمایش کنند. مرتزک به ۶ سال حکومت جا پیرانه و ستمگران جمهوری اسلامی خمینی، ماهیت ستمگران شرکت جمهوری اسلامی را به تودمهای مردم نشان نداد ؟ مکتودمهای مردم ایران، در عمل و در تجربه درک نکردند که هر حکومت مذهبی، دشمن آزادی و دموکراسی است. رهبران مجاهدین خلق خیلی مردم را نا آگاه تصور کرده اند که فکری کنند تودمهای مردمی که اینهمه مصائب و بدبختی های جمهوری اسلامی را بسبب خود دارند، بیکار دیگر اجازه نخواهند داد که آقای رجوعی هم جمهوری اسلامی

برای برقراری صلحی دموکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

را بنیاد کند. خورشید تودمهای مردم ایران در پافته اند که آرموده را از بودن خطا است. مگر جمهوری اسلامی آقای رجوسی چه تفاوت اساسی با جمهوری اسلامی خمینی دارد؟ هیچ! رهبران مجاهدین خلق، از هنگلیکه با سر میاید اراان ایران سازش نموده اند و به آرماتهای انقلابی تودمهای مردم پشت کرده اند، تبدیل به بد افمنین پیکر نظم شکنگرانه سرمایه داری و بد افمنین طبقه سرمایه دار شده اند. آنان مدافع ارتش ضد خلقی و بورژوازی پیوسیده و قاسد ایران شده اند. از برجای مانند ن یک حکومت مذهبی دفاع می کنند. از اینکه کارگران و زحمتکشان ایران قدرت سیاسی را در دست گیرند هراسی مرکبار دارند. با نیروهای انقلابی ایران و قبل از همه سازمان حریکهای فدائی خلق ایران کینه و دشمنی دارند و اگر خمینی جنایتکار پس از به قدرت رسیدن، علیه نیروهای انقلابی اعلان جنگ دارد. رهبران مجاهدین از هم اکنون به نیروهای انقلابی ایران اعلان جنگ داده اند. رهبران مجاهدین خلق با امپریالیستها، ایمن دشمنان سرگند خورده مردم ایران متحد شده اند. امپریالیستها هم حمایت و پشتیبانی برای آنها می فرستند آقای رجوسی بدستوری آنها می رود. آیا در چنین شرایطی، رده بهشت برین دادن به مردم از سوی رهبران مجاهدین خلق، دین و قرب نیست؟ آیا این همان رده های خمینی نیست؟ آیا اینان نیز می خواهند بیکار بگرین و نارضایتی تودمها ساز شوند و دوباره انقلاب را بیکجراه بکنند؟ پاسخ مثبت است.

طبقه کارگر ایران باید در برابر تمامی خدعه ها و فریب ها، جنایتها و دنده ها هوشیارانه ایستادگی کند. پرچم سرخ انقلاب را در پیشاپیش تمام تودمهای زحمتکش در اهتزاز نگه دارد و آنها را بسوی پیروزی قطعی رهبری کند. در این شرایط وظایفی بمیراتب سنگین تر بر دوش تمامی اعضا و هواداران سازمان قرار دارد. اعضا و هواداران سازمان باید پرتلاشهای های مستمر خود برای متشکل کردن آگاه نمودن طبقه کارگر ایران بمهربری مبارزه انقلابی بپردازند. تمامی رفقا باید قبل از هر چیز در جهت متشکل و آگاهی روزافزون کارگران صنعتی کوشش کنند. باید همه های سرخ کارگری را در کارخانه ها و مناطق کارگری گسترش دهند و قبل از هر چیز ایمن واقمیت را در بایند که قدرت مارتشکلی و آگاهی کارگران نهفته است.

اعضا و هواداران سازمان باید همگام با مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، علیه کلیه نیروهای ضد انقلاب و فرصت طلبان و سازشکاران مبارزه کنند. باید مد اوما" ماهیت ضد انقلابی تمامی جریانات سلطنت طلب و تمام تبلیغات آنها را برای تودمها افشا کنند. باید ماهیت تمام اعمال و رفتار فرصت طلبانه و سازشکارانه رهبران مجاهدین خلق را فاش و پرملا سازند و پیوند های مردم نشان دهند که چگونه آنها را آرماتهای توده های مردم در وروده و علیه انقلاب گام بر میدارند. باید همچنین ماهیت ارتجاعی ضد انقلابی حزب خائن توده و خائنین اکثریتی تمامی سیاستهای خائنه آنان را بمردم توضیح داد و در برابر تمامی این جریانات، برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را بیتر از پیش در میان تودمها تبلیغ نمود. باید بمردمهای مردم توضیح داد که بدین رهبری طبقه کارگر، تمام دستاوردهای انقلاب آنان بر باد خواهد رفت. باید به تودمهای مردم توضیح داد که بدین سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق بشتابه هدی فوری طبقه کارگر، آزادی و دموکراسی ممکن نیست. رفاه و خوشبختی ممکن نیست. برانداختن سلطه امپریالیسم ممکن نیست. باید تبلیغات وسیعی را علیه جنگ ارتجاعی موجود سازمان داد و بمردمهای مردم توضیح داد که تنها راه پایان بخشیدن به جنگ و دستیابی بمیک صلح دموکراتیک که در آن ضایق تودمهای زحمتکش تامین شود تبدیل این جنگ ارتجاعی بمیک داخلی انقلابی یعنی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی است. شمارهای ضد جنگ را با شمار سرنگونی بلا واسطه رژیم پیوند بزنید و شمار تبدیل جنگ به جنگ داخلی را بمتابه اساسی ترین شماره بمیان کارگران، دهقانان، پسران و عموم تودمهای زحمتکش بپیرید و آنها را بر دوردیوار بنویسید.

اعضا و هواداران سازمان باید بکوشند که بر اساس مواضع و رهنمودهای صدای فدائی، بهانه ها و نشریات سازمانی که مرتباً از راه یوخنس نواهد شد، تبلیغات وسیعی را علیه رژیم سازمان دهند. مواضع اتخاذ شده را ضبط کنند و بصورت اعلامیه و تراکت پخش کنند.

کلیه رفقا باید در هر کجا هستند خود را خبرنگار صدای فدائی بدانند و موظف باشند اخبار و مبارزات تودمهای مردم را با استفاده از کلیه امکانات موجود، ملمس ترین و در عین حال سرچشمترین آن

و یا با استفاده از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور و یا هرگونه وسیله دیگر، برای صدای فدائی ارسال دارند. ارسال سرب اخبار و گزارشات، یکی از وظایف بسیار مهم هر عضو هوادار سازمان می باشد. بعد از صدای فدائی مرتباً مکاتبه نگاشته باشند. سولات و مسائل خود را با سازمان در میان بگذارید. رفقای که ارتباط آنها بد لایلی با سازمان قطع شده است می توانند از همین طریق با سازمان ارتباط مجدد برقرار کنند.

**کارگران و زحمتکشان ایران!
روشنفکران انقلابی!**

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پیروزی قطعی انقلاب، بمرکز برنامه و اهداف سازمان حریکهای فدائی خلق ایران متحد و متشکل شوید.

تنگ است اداره حکومت شکنگرانه جمهوری اسلامی بر تودمهای مردمی که عظمت جنبش انقلابی آنها علیه رژیم متحر شاه، رعب و هراس در دل تمامی مرتجعین افکنده بود. تنگ است تحمل حکومتی که جز فقر و تنگدستی، تهاوی و ویرانی براری تودمهای ستمدیده مردم ما نتایج می نداشته است.

مادر بر تاریخ، بشریت ضامن و نسل های آینده مسئولیم.

مرک هزاران بار بزنند گی اسارتبار در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی برتری دارد. تودمهای نیست که مردم آگاه بیدار ایران که تاکنون در هابهازارت از بهترین و ارزخندترین فرزندان قهرمان خود را در نبرد علیه رژیم خون آشام جمهوری اسلامی از دست داده اند، قطعاً تنگ بقاء و وام این حکومت را تحمل نخواهند کرد و بی شک آینده و پیروزی از آن ماست و شکست سرنوشت محتمل مرتجعان تاریخ است.

بایند که صدای فدائی، این بانگ رسای کارگران و زحمتکشان و مدافع ضایق عموم تودمهای ستمدیده و استثمار شده ایران شوند و وظیفه انقلابی خود را در بیداری و آگاهی تودمهای مردم انجام دهند و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفا کنند.

کمیته مرکزی سازمان حریکهای فدائی
خلق ایران - دهم آذرماه ۱۳۶۳

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است

بودجه ۶۴:

استفشار واداشته و به
حکومت اسلامی را کوشش می‌کند.
در چنین شرایطی، نماینده بودجه
سال ۶۴ در مجلس همانند سالهای
گذشته، به اجراء درآمد همان لای زنی‌ها،
و عده و عده‌ها، و ابراز خوش بینی نسبت
به آینده و توضیح وظایفی که با اصلاح
بودجه در مورد تعدیل بحران، کاهش
تورم، افزایش اشتغال و امثالهم به عهده
دارد از سوی نخست‌وزیر بعنوان یک
وظیفه هراسانه بازی شد. و برای رفع
کسالت از تکرار مکررات پیچیده هراسانه،
و هم بدلیل تشدید و خفایا اوضاع
اقتصادی - سیاسی، هراسال برای احمای
گرافیکونی‌ها افزوده شده با اصطلاح اهدا
سالانه جدیدی که قاعدتا بودجه در
راستای آن تنظیم شده است، اعلام می‌شود.
نخست‌وزیر نیز بر همین منوال اعلام نمود که
"لا یجوز بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور در
موقعیتی نقدیم مجلس شورای اسلامی میشود
که نظام جمهوری اسلامی ایران، توانایی
از همیشه در صحنه سیاسی - اقتصادی
جهان حضور دارد." زمانی که "نظام
جمهوری اسلامی ایران نه تنها شراف با
یک انقلاب عمیق و گسترده است، بلکه
پاد آور جامعه‌ای بانظمی نو و پویایی در
جهان آشوب زده گیتی است." این چنین
گرافیکونی‌ها مدتی است که خط منحنی
سران جمهوری اسلامی شده است.
د مکررانی ایران در هیچ کجا نظیرند ارد.
در هیچ کجا امنیت به اندازه اینجا نیست.
اما الان بیشترین امنیت اقتصادی در کلبه
ولیمهای جهان را داریم و الی آخر.
هر چه وضعیت رژیم خرابتر میشود و ناسا
رضایتی نمودها بالایی گیرد، برای اینکه
سخنان شمشیر افزوده میشود. البته در
اینکامین اقرار بر بی‌وزاری حاکم برای سران
"توانا تر از همیشه" و با نظمی نو و پویایی
به پیچا و ل سود و سرمایه مشغولند حرفی
نیست.
اما بهر حال نخست‌وزیر علاوه بر اینگونه
اظهارات عام و نیز فضل فروشی‌های بی
محنتا به نمایندگان مجلس - و در خصوص
آنان - پیرامون قولهای چوبی و آبگنی
ساختاری، بر اساس سنت نمایشگری در
هنگام ارائه بودجه به امداف بودجه سال
۶۴ نیز پرداخت. وی گفت علاوه بر جنگ
به هدف عده اقتصادی به عنوان محور
تجه و تنظیم بودجه مورد نظر قرار داشته
است. این هدف‌ها عبارتند از مهار
تورم، حفظ و تد اوم رشد تولید و کوشش
در جهت ایجاد اشتغال مولد. تورم
رکود تولیدی و بیکاری دارای اینچنان

ابعاد گسترده و عمیقی است که پنهان کردنی
نیست. نخست‌وزیر نیز با وجود ادعای
اینکه ایران توانا تر از همیشه نسبت به
داخلی که در صحنه سیاسی - اقتصادی
جهان حضور دارد، نمی‌توانست بر این
سه ملاک مهم که متمایز کننده دوران بحران
اقتصادی از رونق اقتصادی است پسرده
ببیند. حتی آثارهای رسمی رژیم با وجود
تعدیل های بر مبنای مقصودات سیاسی و امار
های جسته و گریخته‌ای که از سوی نمایندگان
مجلس و البته در چارچوب مبارزه قدرت
درین هیات حاکمه بیان میشود. اینچنان
رسوا کنند است که جایی برای پنهان
کردن معضلات اقتصادی (با وجود ادعا
های کذائی) باقی نمی‌گذارد. و از همین
رو است که قرعه فال برای بیان اهداف
بودجه سال ۶۴ این بار به "مبارتورم"،
حفظ و تد اوم رشد تولید و کوشش در جهت
ایجاد اشتغال مولد" افتاده است. کفتم
"قرعه فال" چرا که وسعت و عمق معضلات
اقتصادی - اجتماعی اینچنان همه جانبه
است که هراسال بر هر هفتی می‌توان تاکید
کرد، از کشاورزی گرفته تا صنایع و از
بهداشت و درمان گرفته تا آموزش و پرورش
و الی آخر. در حقیقت این تاکید های
سالانه متناسب با وضعیت سیاسی روز است
نه اینکه بافت بودجه در جهت بر آوردن
اهداف اعلام شده، واقعا تدوین شده
باشد. بافت یکسان بودجه در چندین سال
آخر با وجود با اصطلاح اهدا متفاوتی که
بودجه سالانه م. با پشت و دنبال کند. خود
معرف پارامتری های مکرر پیرامون اهداف
مشخص در بودجه‌های سالانه است.
در یک تحلیل عمومی آنچه ماهیت،
اهداف و عملکرد بودجه‌های سالانه را
تبیین میکند، ماهیت و مشخصات قدرت
سیاسی حاکم (باتوجه به ساخت اقتصادی)
است. بر همین مبنای عمومی، ماهیت،
اهداف و عملکرد بودجه‌های دولتی
جمهوری اسلامی از ماهیت و مشخصات
رژیم. با نظریه داشتن ساخت اقتصادی.
نشأت میگیرد. حال باید دید چگونه دولت
جمهوری اسلامی که خود به علل ماهیتی
تشدد بد کند مجبور است، از طریق بودجه
سالانه - و تا آنجا که مربوط به عملکرد
بودجه میشود - تورم را مهار میکند، تولید
را رشد میدهد و اشتغال مولد ایجاد
میکند، یعنی به "سه هدف عد مآقاص"
که عنوان نموده است تحقق می‌بخشد؟
لا یجوز بودجه سال ۶۴، حتی با وجود یک
ارقام تفکیکی و ریز بودجه انتشار نیافته
است، درست همانگونه که انتظار میرود
عکس موارد فوق را نشان میدهد. یعنی
بودجه سال ۶۴ در جهت افزایش نرخ
تورم، رکود و بیکاری عملکرد خواهد داشت.
بررسی مختصری از اقلام دریافت ها و
پرداخت های مندرج در لا یجوز بودجه عمومی
دولت موارد فوق را به بیشتر روشن می‌سازد:

دریافت های بودجه
در لا یجوز بودجه سال ۶۴، جمع
درآمد های عمومی بالغ بر ۳۷۷۴ میلیارد
ریال پیش بینی شده که نسبت به هزینه های
عمومی مبلغ ۳۹۴ میلیارد ریال کسری دارد.
و قلم عده تامین درآمدها را درآمدهای
نفتی و مالیاتی تشکیل میدهند. سهم
درآمدهای نفتی و مالیاتی در کل درآمد
های عمومی به ترتیب بالغ بر ۳۰/۷۵۳/۷۵۳
درصد میشود که مجموعا پیش از ۸۴ درصد
درآمدهای عمومی را شامل میشود. سایر
درآمدهای عمومی از جمله درآمد حاصل از
فروش ارز، فروش پول به قیمت بالاتر از قیمت
اسلامی (یعنی ربا است)، را به دلیل
سهم ناچیز در تشکیل درآمدهای عمومی
کنار می‌گذاریم. شخصه بازی که در قلم
عده تامین درآمدها را را هستند، غیر
قابل پیش بینی بودن وصول آنها و عدم
تحقق کامل شان و در نتیجه افزایش میزان
کسری بودجه واقعی است.
۱- درآمد های نفتی - سهم نفت در
تولید ناخالص داخل، نقش کلیدی آن در
ساخت اقتصادی و اثراتش بر رشد گیتی و
حرکت سایر بخشهای اقتصادی - سهم
مطلق آن در صادرات و اتکای فوق العاده
بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی
از جمله موارد بسیار مهم قابل بررسی است.
قدرت اقتصادی که دولت از انحصار نفت
به ان تائل میشود و بر شیره اعمال قدرت
سیاسی اثر میگذارد، اهمیت نقش نفت
را در رکود زندگی اقتصادی - سیاسی جامعه
ایران آشکار میسازد. تا اینکه قدرتی که از
نفت حاصل میشود در کدام جهت طبقاتی
بکار گرفته شود منوط به ماهیت قدرت سیاسی
است. هم رژیم شاه و هم رژیم خمینی نقش
نفت را در رشوه اعمال قدرت اقتصادی -
سیاسی دولت به خوبی به نمایش گذاشته اند
اما در اینجا بحث ما در رابطه با موارد
فوق کماز اهمیت و رزمای برخورد ارند نیست.
حتی در اینجا به نقش نفت بطور کلی انفسه
در ایجاد اشتغال و یا مهار تورم نیز
نمی‌پردازیم و این امر را موکول می‌کنیم به
اینکه درآمدهای نفتی و بطور کلی درآمد
های عمومی دولت چگونه بهرینه میشود.
آنچه در این قسمت فعلا مورد نظر است
نشان دادن غیر قابل پیش بینی بودن
درآمدهای نفتی و لذا باتوجه به سابقه
این ساله در بودجه‌های سالهای قبل،
عدم تحقق اقلام پیش بینی شده و لذا روی
آوردن دولت به تاسین کسری بودجه از طریق
اظهارات بانکی است که در مجموع به افزایش
نرخ تورم می‌انجامد.
بی ثباتی رژیم، بحران اقتصادی، مسائل
ناشی از جنگ که خود ریشه در ماهیت رژیم
دارد و بحران جهانی سرمایه داری اینچنان
شرایطی را بوجود آورده که سران حکومت
بالا جبار "نوسانی" بودن درآمدهای نفتی
را اغتراف میکنند، بهر دو صفحه ۶

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بودجه ۶۴:

الله پسند . نخست وزیر در نطق خود به هنگام ارائه بودجه سال ۶۴ ساله عدم تحقق درآمد های پیش بینی شده نفتی را چنین توجیه کرد : " در سال گذشته سال جاری ، بخاطر وابستگی بودجه کشور به درآمد های نفتی ، تحقق درآمد های دولت به فراز و نشیب های مربوط به اوضاع سیاسی اثر گذار بر ستر حرکت نفتکش هادر خلیج فارس و بازار نفت بستگی داشته و بازار نفت آشفته ترین وضع را در دو سال گذشته بخود دیده است . وی اضافه کرد که امکان صدور نفت ما در هر روز ، بین ۲۰ هزار بشکه تا ۳ میلیون بشکه در نوسان بوده است و ما روز به روز جای پای هرچنان را در خلیج فارس در درآمد های عمومی خود دیدیم . قبیل از نخست وزیر بانکی نیز اعلام کرده بود که " فروش نفت مان آن چیزی را که ما فکر می کردیم صحت نداشت " که بیان اول آبان ۶۳ . از گفته های فوق بمحیی شخص است که درآمد های پیش بینی شده نفتی در دو سال گذشته تحقق نیافته و عملاً کسر بودجه بسیار فزاینده از رقم تصویب شده است . اما به چه میزان ؟ ضایعات دولت خد شکر هیچ رقی را در این باره حتی برای نمایندگان خد شکر که باید بودجه های عمومی را تصویب کنند افشا نمی کند . آمار حکم کپیا را پیدا کرده . بهر حال باتوجه به آمار سالهای گذشته شخص میگوید که اولاً عدم تحقق درآمد های نفتی فقط ضحصره دو سال اخیر (بر اثر بحران نفتکش ها در خلیج فارس) نیست و ثانیا باتوجه به میزان عدم تحقق درآمد های نفتی در سالهای گذشته میتوان با مصوب داشتن بحران نفتکش ها حدودی از میزان عدم تحقق درآمد ها را در دو سال اخیر حد می زد جدول شماره یک ، میزان پیش بینی و تحقق درآمد های نفتی را طی سالهای ۶۰-۸۰ نشان می دهد .

(جدول شماره ۱)
درآمد نفتی طی سالهای ۶۰-۸۰

(مبلغ به میلیارد ریال)

سال	درآمد مصوب	درآمد قطعی	تحقق درصد
۱۳۵۸	۱۴۸۸	۱۲۲۰	۸۲
۱۳۵۹	۱۲۵۴	۸۸۹	۷۱
۱۳۶۰	۱۵۳۳	۸۶۵	۵۶

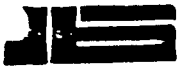
درآمد نفتی دولت همچون خود رژیم جمهوری اسلامی پادشاه است . دانش نوین است . درآمد نفتی آنچنان وسیع و غیر قابل پیش بینی است که دست اندرکاران

بودجه نویسی جز ارائه " سناریو " راه دیگری ندارند . بر همین اساس است که سازمان برنامه و بودجه طی رساله ای با عنوان " گزارش اقتصادی سال ۶۰-۱۳۵۹ " و ملاحظاتی درباره بودجه سال ۱۳۶۰ به ارائه " سناریو های سال ۱۳۶۰ " و " سناریو های بودجه سال ۱۳۶۰ " میپردازند . در " سناریو " درآمد های پیش بینی شده نفتی عبارتند از مبلغ ۱۸۴ ، ۵۵۲ و ۱۳۸۰ میلیارد ریال برای هر سناریو . یعنی پیش بینی درآمد های نفتی برای سناریو اول و دوم ۷۵۰ درصد نوسان دارد . به این ترتیب ، باتوجه به روند گذشته ، تد اوم همان شرایط و اظهارات صریح نخست وزیر شاه ده میشود که رقم درآمد نفتی در بودجه سال ۶۴ نیز یک پیش بینی غیر قابل تحقق پیش نیست . درآمد نفتی عملاً در سطحی پایین تر از آنچه پیش بینی شده قرار خواهد داشت و کمتری آن از طریق اعتبارات بانکی تامین خواهد شد . فروش نفت به قیمت پایین تر از قیمت رسمی اولیه که رژیم برای تامین درآمد هایشان شمول شده نیز دردی را چاره نخواهد کرد . چه صرف نظر از رقابت های نفتی در سطح جهانی طی چند سال گذشته رژیم با کوشش فوق العاده ای سیاست حراج نفت را دنبال کرده و معضله قادر نبوده است که درآمد های نفتی پیش بینی شده را تحقق بخشد .

۲- درآمد های مالیاتی - پیر از نفت ، درآمد های مالیاتی عددترین بخش از درآمد های عمومی دولت را تشکیل میدهد . میزان درآمد مالیاتی در لایحه بودجه سال ۶۴ بالغ بر ۱۰۶۳ میلیارد ریال پیش بینی شده است . در رابطه با درآمد های مالیاتی ، دو موضوع قابل طرح است : اول اینکه جهت گیری مالیات اجابت و کد ام طبقات و اقتدار اجتماعی را تحت تاثیر قرار میدهد و اثر عملکرد آن بر شرح تورم چگونه است و دوم اینکه آیا مبلغ پیش بینی شده برای وصول مالیاتها قابل تحقق است ؟ در مورد اول مختصراً و بطور کلی میتوان گفت که راستای اهداف و عملکرد درآمد های مالیاتی بر مبنای ماهیت قدرت سیاسی شخص میشود . بر طبق این گفتار کلی در هر دولتی که بورژوازی طبقه حاکم را تشکیل دهد ، اهداف و عملکرد مالیاتها بر طبق ضایع و مصالح آنی ذاتی طبقه حاکم قرار دارد . اما این گفتار عمومی کل دولتهای بورژوازی را اعم از " دموکراسی های بورژوازی " آنچه که اصطلاحاً دولتهای دیکتاتوری سرمایه داری خوانده می شود و همچنین صرف نظر از اینکه کدامیک از اقتدار بورژوازی بر قدرت سیاسی تکیه زند و اندر شامل می شود . این گفتار عمومی ، اگرچه ماهیت عملکرد مالیاتها را در جوامع سرمایه داری مشخص میسازد ، اما شخصیات ویژه دولت هر جامعه را کدر واقعی اهمیت اساسی می یابد ، نادیده

می گیرد . بررسی رابطه مالیاتها و عملکرد عملکرد دولت (ناماهیت و شخصیات ویژه دولت ایران ، اهمیت این شخصیات ویژه را نمود آرمی سازد : دولت ایران ، یک دولت سرمایه داری است ، از اینرو مالیاتها بطور کلی در جهت ضایع و مصالح طبقه حاکم قرار دارد . در عین حال دولت ایران ، دولت سرمایه داری وابسته است و علسی - القاعده و بنابه ضعف بورژوازی داخلی و تسلط امپریالیستی ، دارای روشی " دیکتاتوری " است . هزینه های اعمال " دیکتاتوری " و اینکه کلیه اقتدار بورژوازی در حکومت شرکت ندارند ، عملکرد مالیاتها را در سرمایه داری به نفع اقتدار بورژوازی حاکم قرار میدهد . در زمان رژیم شاه ، این عملکرد عمدتاً در جهت ضایع سرمایه های بزرگ و انحصاری قرار داشت . عامل دیگر ، تنه دولت ایران به درآمد های نفتی و تزریق آن به اقتصاد جامعه و تامین هزینه های دولت از آن طریق است . این عامل ، از یکسو به قدرت اقتصادی دولت افزوده و دولت را تا حدود زیادی از فشار مستقیم به سرمایه داران و اقتدار مختلف خرده بورژوازی - تولیدی و توزیعی جهت وصول مالیاتها بی نیاز میسازد و از سوی دیگر نقش عملکرد نفت و عملکرد طولانی مدت دولت در مورد مالیاتها ، به علاوه سایر عواملی که در اینجا مورد نظر نیست ، هم نظارت اقتدار مختلف سرمایه داران را بر اعمال دولت تضعیف کرده و هم فرهنگ بهر موری از امکانات دولتی (که بر نفت تکیه دارد) بدو منتقل بخشی از هزینه های این بصورت پرداخت مالیات بر درآمد ، بر آنان مسلط شده است . از اینرو بافت مالیاتهای دولت را اساساً مالیاتهای غیر مستقیم و مالیات بر درآمد کارگران و کارمندان که بطور خود کار از دستمزدهای حقوق کسر میشود ، تشکیل می دهد . تمامی شخصهای فوق به علاوه ویژگی های جمهوری اسلامی را می توان در بخش درآمد های مالیاتی مشاهده کرد . نتیجه تمامی شخصهای فوق در جهت فشار هرچه بیشتر بر کارگران و زحمتکشان و استفاده از اقتدار بورژوازی حاکم قرار دارد . سخنان پارامی از سران حکومت در مورد مالیاتها که بعلمت تضاد بین بخش های مختلف سرمایه عنوان شده است ، تلخ و دی ماهیت و راستای عملکرد مالیاتها را روشن میسازد . بانکی در مورد مالیاتهای سال ۶۳ در صورتیکه کلاً وصول شود می گوید : " حال این ۸۷ میلیارد تومان (میزان مالیات مصوب سال ۶۳) راه خيال نکند که مالیات را از کسانی که پول دارند و پول در میآورند گرفته می شود . نه ، اتفاقاً از کسانی که پول ندارند و زیور کلیه دولت هستند و مهارشان دست دولت است از اینها مالیات گرفته می شود . " وی ادامه میدهد ،

۳۰ ساعت کار ، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است



ساخت اقتصادی....

فتودالی که دهقانان نیروی عده آن محسوب می شدند و لذا تثبیت زمین در جهت ضایع امیرالایم. بنابراین برنامه اصلاحات ارضی در هر مرحله اجرائی از یکسو با برابری مبارزه طبقاتی و از سوی دیگر با درجه توسعه سرمایه داری و رو به انحصار کردن سرمایه حاکم انطباق نسبی داشت. بر این بنا بر اساس قانون اصلاحات ارضی و طی مراحل مختلف اجرای آن تشریفی دهقانان شدت یافت و خلعید از دهقانان بالا گرفت. اما توسعه سرمایه داری در روستاها نشاندید تشریف بندی دهقانی و خلعید از دهقانان فقط بهجت اجرای قوانین بلاواسطه اصلاحات ارضی نبود، بلکه توسعه سرمایه داری در کل جامعه (از جمله در روستاها) و قوانین و شیوههای بسط تولید سرمایه اراسته در روستاها که بطور مستقیم در اثر شقوق ضد رج دهقانان اصلاحات ارضی نبود، نیز روند فوقیاد تکمیل می کرد.

آنچه که در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد، اثرات توسعه سرمایه داری بر تشدید تشریفی دهقانان است. بدین منظور، صرف نظر از خلعید از دهقانان در اثر اجرای قوانین اصلاحات ارضی که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت، در اینجا اشکالات توسعه سرمایه داری بر تشدید تشریفی دهقانان را در دو جهت ارزیابی می کنیم: اول، توسعه سرمایه داری و خلعید غیر مستقیم از دهقانان و دوم، توسعه سرمایه داری و خلعید مستقیم از دهقانان.



جدول شماره (۱۰) مصرف کود شیمیائی، بذرگدم و پنبه و فروش تراکتور

سال	مصرف کود شیمیائی (هزار تن)	فروش تراکتور	بذرگدم (تن)	بذر پنبه (تن)
۱۳۴۰	۱۲۴	-	۷۶۲۵	۱۷۰۰
۱۳۴۱	۲۱۵	۲۳۸۲	۵۶۰۰	۲۰۰۰
۱۳۴۲	۱۸۴	۲۹۱۸	۶۵۰۰	۲۵۶۷
۱۳۴۸	۲۰۸	۳۳۶۹	-	۲۵۰۵
۱۳۴۹	۲۴۳	۱۸۹۴	۱۲۷۸۱	۳۳۹۸
۱۳۵۰	۳۲۸	۲۴۵۸	۳۲۱۸۰	۳۱۲۱
۱۳۵۱	۳۷۹	۵۷۸۷	۳۴۰۰۰	۹۳۲۷
۱۳۵۲	۴۸۲	۴۷۸۱	۳۵۵۰۰	۱۱۱۷۸
۱۳۵۳	۶۱۶	۷۵۶۱	۶۴۶۰۰	۱۱۰۰۰
۱۳۵۴	۶۲۴	۹۰۳۸	-	-

ماخذ: سالنامه آماری، ۱۳۵۵.

توسعه سرمایه داری و خلعید غیر مستقیم از دهقانان

الف - همزمان با تغییر مناسبات تولید میان تولید کنندگان بلاواسطه و استثمار کنندگان در روستاها، وسائل تولید و شیوههای بهره برداری از زمین نیز تحول یافتند. گسترش استفاده از تراکتور، کود شیمیائی و بذرهائی اصلاح شده از نمودهای بارز این تحول در روستاهای ایران پس از اجرای اصلاحات ارضی هستند. این وسائل و شیوههای تولید در دوره قبل از اصلاحات ارضی بطور محدود در مناطقی خاص، مانند کرگان و گنبد، مورد استفاده قرار می گرفتند. ولی تنهایی از زمین موانع پیش سرمایه داری بود که بکارگیری آنها بهجت گسترش یافت. جدول شماره (۱۰) استفاده از تراکتور، کود شیمیائی و بذرگدم و پنبه اصلاح شده طی یک دوره ده ساله نشان می دهد. چنانچه در جدول شماره ۱۰ دیده میشود، مصرف کود شیمیائی و بذر اصلاح شده طی یک دوره ده ساله بهجت گسترش یافت. فروش تراکتور توسط بنگاه توسعه ماشین آلات کشاورزی نیز افزایش سریع از خود نشان می دهد، بطوریکه از حدود ۲۳۰۰ دستگاه در سال ۱۳۴۶ به بیش از ۹ هزار دستگاه در سال ۱۳۵۴ رسید. طبق آمارهای منتشره از طرف دولت، این رقم در سال ۱۳۵۶ به حدود ۱۱ هزار دستگاه نیز رسید. استفاده از تراکتور بعد لایل گوناگون، از جمله کارائی بیشتر، هزینه نگهداری کمتر، شخم عمیق تر و...، جانشین گاوهاهن شد. هرچند که این روند جایگزینی شدید بوده است، ولی میزان استفاده از آن در مناطق مختلف و نیز در بهره برداریهای مختلف یکسان نبوده است. بعنوان مثال، در کرگان و گنبد بهتابه پزیرترین منطقه کشاورزی ایران، میزان استفاده از ماشین آلات کشاورزی به مراتب بیش از دیگر نقاط ایران است و برعکس در مناطقی همچون سیستان و بلوچستان

و یا مناطق کوهستانی فارس و... و به لایل گوناگون تراکتور و دیگر ماشین آلات کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. این نشان دهنده، در طبقات بهره بردار نیز بازتاب می یابد. این مطلب را در جدول شماره ۱۶ که برای سال ۱۳۵۳ تهیه شده، می توان مشاهده کرد.

جدول شماره (۱۶)
استفاده از تراکتور و تفکیک بهره برداری ها در سال ۱۳۵۳

بهره برداری ها در صد استفاده از تراکتور

کمتر از یک هکتار	۱۱/۱
۱ تا ۲ هکتار	۳۲/۴
۲ تا ۵ هکتار	۴۷/۰
۵ تا ۱۰ هکتار	۶۳/۹
۱۰ تا ۵۰ هکتار	۷۱/۹
۵۰ تا ۱۰۰ هکتار	۹۱/۵
۱۰۰ هکتار به بالا	۹۶/۲

ماخذ: نتایج آمارگیری کشاورزی ایران ۱۳۵۳

همانطور که بهره برداریهای کوچک مقدار کثرتی زمین و دیگر عوامل تولید معیشت را در اختیار داشتند، از تراکتور بعنوان یکی از وسائل جدید کشاورزی نیز بهمان نسبت به میزان کثرتی استفاده می کردند. جدول شماره (۱۶) نشان می دهد که بهره برداریهای کوچک از تراکتور به مراتب کمتر از بهره برداریهای بزرگ استفاده می کنند. این امر به لایل گوناگون مانند ضعف مالی دهقانان خرد میا، مقرون بصرفه نبودن استفاده از تراکتور در بهره برداریهای کوچک و... صورت پذیرفته است. ولی حال نتیجه علی آن چیزی جز تقویت وضعیت اقتصادی واحد های بزرگ در مقابل دهقانان خرد میا نمیتواند باشد. به عبارت دیگر ماشین نیز به کمک مجموعه مناسبات سرمایه داری نسبتاً نوین در روستاهای ایران شتافت و از این راه قدرت اقتصادی و تولیدی واحد های بزرگ را تقویت کرد.

اگر در دوره قبل از اجرای اصلاحات ارضی، اجاره گاو کار میان دهقانان رواج داشت و معمولاً دهقانان مرفه، که بیش از نیاز تولیدی خود گاو کار داشتند، حیوانات خود را به دیگران اجاره میدادند، در دوره پس از اصلاحات ارضی تغییراتی در این رابطه پیدا شد. بدین معنی که با گسترش استفاده از تراکتور، دهقانی که عمدتاً سرمایه داران کشاورز بودند، اقدام به اجاره دادن تراکتور (و گاهی خود به دیگران کردند) و برعکس دوره قبیل از اصلاحات ارضی، اجاره بصورت نقدی پرداخت میشد و مبلغ آن بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال برای هر هکتار بود. پرداخت این مبلغ وجه نقد برای بقیه در صفحه ۸

لڑجنگ ارتجاعی زحمتکشان میزاورند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

ساخت اقتصادی...

بسیاری از دهقانان که با گاویار داشتند با آن را الحارمی کردند، مقرون صرفه بود و این امر یکی از دلایل عدم گسترش سریع یارگیری تراکتور برای خشم زمین و خارج شدن گاویار از صحنه کشاورزی بود. بدین ترتیب مکانیسمهای بازار سرمایه آری گامی دیگر رجعت جدائی بیشتر دهقانان از سرمایه مینی تولید برداشت و قطعی شدن طبقات را شدت بخشید.

با تاکنون مجموعه مناسبات تولید در رابطه با ابزار تولید زمین و کار بیان شده است، ولی یک جنبه دیگر، یعنی رابطه بهره‌بردار آری‌ها با بازار باقی مانده که تعیین آن ضروری می‌نماید. زیرا که این رابطه، یعنی پیوند دادن روستائیان و کشاورزان به بازار کالاهای مصرفی کشاورزی نیز در واقع یکی از اهداف اصلی اصلاحات ارضی بود.

هرچند که آماری در مورد درصد فروش محصولات کشاورزی در بازار به تفکیک بهره‌بردار آری‌ها موجود است، رجعی شود به جدول ۱ نتایج آمارگیری کشاورزی ایران ۱۳۵۳، مرحله دوم، ولی چون این اطلاعات مجموعه‌ای است از کلیه تولیدات کشاورزی و نیز انواع کشتیهای آبی و دیم، گمراه کننده بوده و بنابراین نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بهر حال آنچه مسلم است، تولید کنندگان خرید میای محصولات هم چون گندم و برنج عمدتاً برای مصرف خانوار کی خویش تولید می‌کنند در حالی که تولید کنندگان گوجه محصولات مانند چای، توتون، چغندر رفته و... اساساً برای عرضه در بازار کشت می‌کنند زیرا که محصول آنها به اندازه‌ای که از مزه بدست می‌آید قابلیت صرف شخصی ندارد. در مقابل این گروه، تولید کنندگان بزرگ قرار دارند که صرف نظر از نوع محصول خود (لم از برنج و گندم و یا توتون، چغندر رفته و...) و اساساً برای فروش در بازار تولید می‌کنند. اینان بواسطه گسترده‌ی کشتزارهای خود، عرضه‌کننده عمده محصولات کشاورزی بازار داخلی بود مانند: بدین ترتیب، بر اساس برآورد آرسوئیک Aresuik بهره‌بردار آری‌های بزرگتر از ۱ هکتار حدود ۷۷ درصد محصولات کشاورزی موجود در بازار عرضه می‌کرد مانند (رجوع شود به "The Agricultural Development of Iran", Praeger Publishers, 1977, ۱۰۱ ص).

از خصوصیات عمده رابطه میان تولید کنندگان محصولات کشاورزی با بازار، وجود واسطه‌ها و سلف خررها در سراسر نقاط روستائی ایران است. واسطه‌ها که عمدتاً در پیوند با کشاورزان خرید و متوسط کار می‌کنند، معمولاً هنگامی که آن‌وقت این دهقانان تحلیل می‌روند، یعنی در زمستان به آنان وام نقدی یا جنسی می‌دهند و هنگام

برداشت محصول طلب خود را وصول می‌کنند. بهره این واسطه معمولاً بسیار بالا است و گاهی بعد درصد و حتی بیش از آن هم می‌رسد. سلف خررها نیز به شیوه‌ای مشابه کار می‌کنند. بدین ترتیب که قبل از برداشت محصول، یعنی هنگام داشت آن که دهقانان در این هنگام دیگر پس‌انداز جنسی و بانقدی برای مصیبت خود ندارند، مجبوره پیش‌فروش کردن محصول می‌شوند. این وضعیت، موقعیت سودمندی را برای عناصر تکنیکی جامعه روستائی بوجود می‌آورد. در این هنگام سلف خررها محصول دهقانان را قبل از برداشت به پیش‌فروش می‌خرند، در حالی که پس از برداشت، آنرا به قیمت‌های بسیار بالاتر به واسطه‌های دیگر در بازارها به فروش می‌رسانند. تفاوت قیمت خرید و فروش محصولات کشاورزی در روستاها معمولاً بسیار زیاد و گاهی به چند برابر می‌رسد. در برخی موارد دهکانه ازان روستا به این تجارت دست می‌زنند. اینان معمولاً کالاهای خود را به چند برابر قیمت بطور نسبه بیشتر از آن می‌فروشند و هنگام برداشت محصول، که غالباً قیمت آن به حد اقل می‌رسد، طلب خود را بطور جنسی دریافت می‌دارند. بطور خلاصه، هرچند که کشاورزان خرید و متوسط تنها بخشی از محصول خود را به بازار عرضه کنند، ولی مجموعه مکانیسم‌های واسطه میان آنها و بازار مصرفی کالاهای کشاورزی به نحوی عملی می‌کنند که شدت اقتصاد اینگونه تولید کنندگان را تحلیل می‌برند. چنین وضعیتی در سراسر دوره پس از اجرای اصلاحات ارضی ادامه داشت و علیرغم ادعاهای دولت وقت مبنی بر گسترش شبکه تعاونی و... دهقانان خرید و متوسط همچنان در دست این عناصر انگلی اسیر بودند.

ج - علاوه بر مورد فوق، جمعیت روستائی ایران از جانب عناصر تکنیکی دیگری نیز در رنج بوده است. بدین معنی که ریاخواران نیز گاهی به یکی از اشکال فوق الذکر و یا گاهی بطور مستقیم وارد زندگی اقتصادی روستائیان می‌شدند. فقر شدیدی در دهقانان طی چند دهه اخیر آنان را مجبور کرده بود تا برای تامین مصیبت خود به ریاخواران محلی روی آورند. این ساله طی دوره پس از اجرای اصلاحات ارضی، علیرغم گسترش شبکه‌های شرکهای تعاونی، همچنان پاهر جای ماند. بطوریکه می‌توان گفت منابع اعتباری یکی از مهم‌ترین عواطفی بود که در تجزیه طبقاتی دهقانان موثر افتاد. فشار ناشی از ریاخواران را از وجهه می‌توان نشان داد: اولاً، بر طبق مطالعات متعدد ی که از روستاها ایران بعمل آمده، نرخ بهره در بازار پولی روستاها (غیر از بانکها و تعاونها) از ده درصد تا بیش از ۱۰۰ درصد بوده است، ثانیاً، علیرغم تبلیغات رژیم گذشته مبنی بر کمک مالی به روستائیان، در یک ارزیابی کاملاً خوشبینانه ارگانهای دولتی رقم حدود ۵۰ درصد عرضه وام را در بازار پولی روستاها تامین می‌کردند و باقی‌مانده را ریاخواران برعهده

داشتند، مطالعاتی که از جانب فائو (FAO) برای دوره ۷۲ - ۱۹۶۳ بعمل آمده است این ساله را نشان می‌دهد (جدول شماره ۱۷) سهم منابع اعتباری در بازار پولی روستائی ایران ۷۲ - ۱۹۶۳

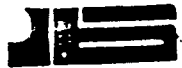
منبع	مقدار درصد
بانک تعاونی کشاورزی	۱/۰ ۱۳/۶
شرکهای تعاونی	۱/۰ ۱/۰
صندوق توسعه کشاورزی	۰/۴ ۰/۶
سازمان جای و نهادهای دیگر	۵/۱ ۷/۸
بانکهای تجاری	۱۳/۲ ۲۰/۰
جمع	۳۳/۷ ۵۱/۰
بازار غیر متشکل (ریاخواران...)	۳۲/۳ ۴۹/۰
جمع کل	۶۶/۰ ۱۰۰/۰

(میلیارد ریال)

علیرغم اینکه جدول شماره (۱۷) بطور اجمالی سهم و مقدار هر یک از دو بازار متشکل (بانکها و...) و غیر متشکل (ریاخواران و...) پولی را نشان می‌دهد، در رابطه با موضوع مورد مطالعه ما، یعنی روستائیان و وام‌گیری، دو نکته را آشکار نمی‌کند. اولاً، باید توجه داشت که تنها سهمی از کل مبلغ ۳۳/۷ میلیارد ریال به دهقانان تعلق گرفته و مابقی به سرمایه داران کشاورز داده شده است و ثانیاً، بخشی از کل وام اعطائی بانک تعاونی کشاورزی، از طریق شرکهای تعاونی توزیع می‌شود و بنابراین سهمی از وام ۹ میلیارد ریالی در حقیقت دوباره به سرمایه شده است؛ یکبار بعنوان وام اعطائی این بانک و یکبار هم بعنوان وام اعطائی شرکهای تعاونی. با توجه به این دو نکته می‌توان ادعا کرد که ریاخواران و... سهمی به مراتب بیش از ۹۰ درصد از عرضه وام به روستائیان را برعهده داشته‌اند، که این امر در حقیقت نشانگر فشار مالی است که بر روستائیان وارد می‌آید.

جدول شماره ۱۸، کمترین از مطالعات روستائی پیرامون روستاهای ایلام (۱۳۴۴)، گیلان (۱۳۴۷)، نیشابور (۱۳۴۱) و گرگان (۱۳۴۸) می‌باشد، وضعیت منابع اعتباری در روستا و سهم بازار متشکل پولی (بانکها و...) را طومس تر می‌نماید.

بهر حال، نتیجه عملی گسترده‌ی نسبی شبکه ریاخواران و واسطه‌ها (و به عبارتی حقیقت فعالیت شدیدی سرمایه‌های ریائی و تجاری) در روستاها، روستاهای ایران، چیزی جز عقب ماندگی مجموعه مناسبات تولید و نیروهای مولد نمی‌توانست باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌های ریائی و تجاری با چنگ انداختن بر بخش‌هایی از ارزش حاصله توسط روستائیان از یکسو، قشرینسند ی دهقانی و خلق بد و نهاله در صفحه ۹



ساخت اقتصادی...

از دهقانان را تشدید کرده و از سوی دیگر از رشد سرمایه‌دستی (مولد) جلوگیری کرده‌اند.

توسعه سرمایه‌داری و خلق بد مستقیم از دهقانان

بحث مادی صفحات فوق نشان داد که مجموعه مناسبات سرمایه‌داری در دو بعد در روستاهای ایران گسترش یافت. نخست آنکه بخشی از مالکان فئودال سابق شیوه استثمار خود را تغییر داده و به شیوه‌های سرمایه‌دانه بهره‌کشی از تولیدکنندگان بلاواسطه دست باز کردند. از این رو بود که رابطه دستمزدی میان سرمایه‌داران کشاورز از یکسو و کارگران و نیمه پروتئره‌های روستا از سوی دیگر، گسترش چشمگیری حاصل کرد. ولی این طریق، یعنی تبدیل مالکان فئودال به سرمایه‌داران کشاورز، که اصطلاحاً در اقتصاد سیاسی آن را "راه پروسی توسعه سرمایه‌داری" خوانند، به روستائیان مجموعه مناسبات سرمایه‌داری در میان سرمایه‌داری یعنی توسعه "براهام‌یکائی" سرمایه‌داری نیز توأم بود. بدین ترتیب که همزمان با گسترش روند فئودال در میان روستائیان نیز روابط سرمایه‌داری توسعه هرچه بیشتری یافت. در حقیقت این دو راه به گونه‌ای بهم پیچیده و در پیچیده روستاهای ایران رشد یافتند که این امر بیانگر قانون توسعه سرمایه‌داری در روستاهای هر جامعه‌ای است که فئودالیسم به سرمایه‌داری تحول می‌یابد. به عبارت دیگر، توسعه سرمایه‌داری در روستا همواره - بصورت ترکیب بهم پیچیده‌ای از دو راه - راه آمریکائی و پروسی است. ولی در هر جامعه‌ای، بر اساس چگونگی مبارزه طبقاتی جاری در آن، یکی از این دو راه بر دیگری سلطه می‌شود. در ایران نیز در شروع اجرای اصلاحات ارضی (مرحله اول) چنین نظیر می‌رسد که "راه آمریکائی" نسبت به راه دیگر تفوق داشته باشد و ولی بتدریج همزمان رونق اقتصادی، ثبات سیاسی و فراهم آمدن زمینه برای فعالیت سرمایه‌های بزرگ، راه پروسی بطور قطعی بر راه آمریکائی تسلط شد.

جدول شماره (۱۸) سهم منابع اعتباری و ربا زایی پاره‌ای از روستاها (بر اساس درصد)

منابع اعتباری	نمایش (۵۰ روستا)	ایلام (۱۱ روستا)	گیلان (۱)	گرسار (۲)
دوستان و نزد یگان	۳۴/۹	۲۶	۲۱/۱	۱/۲۴
دکاند اروسلف خر	۳۲/۹	۴۴	۵۱/۴	۵۶/۲۷
بانک اعتبارات	۱۳/۴	۲۷	۲۱/۱	۱/۰۷
شرکت تعاونی	۶/۸	۳	-	۲۹/۸۳
مالک	۲/۸	-	۵/۴	-
سایر منابع	۴/۲	-	-	۰/۱۴

پروژه تسلط راه پروسی توسعه سرمایه‌داری در روستاها از همان آغاز اجرای اصلاحات ارضی شروع شد. این پروژه بصورت قانونی و غیرقانونی و در روند فقیر شدن دهقانان تجلی پیدا کرد و در تمامی سالهای پس از اصلاحات ارضی ادامه یافت. تاکنون مجموعه‌ای از عواملی که موجب فقیرتر شدن دهقانان و با در - حقیقت روند جدائی آنان از شرایط عینی تولید را فراهم آورد، بیان شد. ولی در اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل ۱۳۵۰ در بیشتر انحصاری شدن سرمایه و قدرت گرفتن سرمایه‌های انحصاری اجرای طرحهای بزرگ گشت سرمایه‌دانه شروع به گسترش نمود. در میان این طرحها، دولت در طرح بزرگ در سراسر کشور به اجرای آن پرداخته و آنها را مناطق مربوط روند فقیرتر شدن دهقانان را شد بدین ترتیب. این دو طرح عبارت بودند از شرکت‌های سهامی زراعی و گشت و صنعت‌ها که در زیر به شرح مختصر آنها می‌پردازیم.

شرکت‌های سهامی زراعی

در اواخر دهه ۱۳۴۰، دولت وقت به فکر ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی بر اساس کمیونیتی‌های اسرائیل افتاد و این امر ظاهراً برای دستیابی به اهداف زیر بود: یکپارچه کردن زمینها و مکانیزاسیون و گسترش مقیاس تولید، آشنائی دهقانان با روشهای جدید کشاورزی، گسترش سطح زیر کشت، و افزایش درآمد کشاورزان. شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۵ تأسیس شدند. در وقت تأسیس تعداد آنها ۱۴ شرکت بود که تا سال ۱۳۵۳ به ۶۵ شرکت با ۱۲۳۸۸۲۲ سهامدار (روستائی) در ۵۲ روستا و ۲۳۱۷۵۹ هکتار زمین رسید. تعداد شرکت‌ها در سال ۱۳۵۷، ۱۵ واحد بود و بنابر طرح مندرج این تعداد می‌بایست به ۱۴۳ شرکت برسد.

بر طبق طرح مندرج، اگر در روستاهای مورد نظر تعداد حد اقل ۵۱ درصد از روستائیان زمیندار رای مثبت به تأسیس شرکت سهامی زراعی در روستاهای خود می‌دادند، شرکت بانک مالی و فنی دولت تأسیس می‌شد. هر چند که ظاهراً دهقانان حق تعیین سرنوشت خود را داشتند، ولی عملاً این موضوع رعایت نمی‌شد و مشخصین دولتی روستاهای مطلوب برای اجرای طرح را انتخاب کرده و بدون توجه به نظر

روستائیان زمیندار، طرح را به اجرا می‌گذاشتند. بدین ترتیب، بر اساس طرحهای مشخصین دولت، در برخی مناطق یک یا چند روستا زیر پوشش یک شرکت سهامی زراعی قرار گرفتند و روستائیان زمیندار نسبت میزان و مرغوبیت زمین‌های خود سهام از شرکت دریافت کردند. سرمایه لازم برای انجام امور مربوط به کارهای زراعی (تسطیح، زبکشی و...) و استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی (تراکتور، کمباین) و نیز تأمین مشخصین و مدیران برعهده دولت بود.

طرح شرکت‌های سهامی زراعی به گونه‌ای که اجرا شد، اگرچه در جهت مصالح و کارکرد سرمایه حاکم بر جامعه بود، اما نتایج منفی خود را نیز در میان دهقانان به بار آورد و نتایجاً از کارائی عینی عینی شد. برحسب آراء و نظرات، طرح این شرکت‌ها می‌باید گردان آن در عمل بدون توجه به خواسته‌های تجارب و خلقیات دهقانان و به طریق قبیله‌ای بود و گرانیک و اجباری به مرحله اجرا درآمد. بهسودی دهقانان و عدم آشنائی روستائیان به روشهای جدید تولید توأم با عدم آموزش و ترغیب آنان به روشهای جدید گشت، و همچنین بهر گرانیک و اجباری بودن شرکت دهقانان در شرکت‌های سهامی زراعی به بی‌علاقگی آنان در کارهای گروهی واحد‌های مکانیزه کشاورزی و این زد و باججودی که دهقانان دارای تدارک کار گروهی در - بهنجا بودند، اما طرح و شیوه اجرایی پیاده کردن شرکت‌های سهامی زراعی به گونه‌ای بود که علاوه دهقانان را به مالکیت افراد بی‌زمین تشدید کرد. علاوه بر این، عدم اطمینان دهقانان به سهام بهمنشوان نوعی سند مالکیت بر زمین مزید بر علت شد و در نوبت بیگانگی میان روستائیان و سهامدار و شرکت‌های سهامی زراعی بوجود آمد. از سوی دیگر مهربان و مهندسان دولتی اداره امور شرکت‌ها را بدست گرفته و بدون نظرخواهی از سهامداران، اساساً خود اقدام به تصمیم گیری و پیاده کردن طرحهای کردند. در این شرکتها، کارهای تخصصی و بدیهت در دست مهندسان و مشخصین و مدیران قرار داشت، در حالیکه روستائیان عمدتاً به عنوان کارگران دستمزدی بکار شرکتها مشغول بودند. این بیگانگی و بهسود در حقیقت جدائی روستائیان از زمین و کنترل شرایط عینی تولید توسط مدیران و اساس شکل خاص سرمایه‌داری دولتی قرار گرفت که از بالا (دولت) در پیگیر می‌شد.

روستائیان عمدتاً به اشکال گوناگون نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مربوط به خود عکس العمل منفی نشان می‌دادند. به عنوان مثال، عدای بهسباحت از روستائی خود دست زدند، در حالیکه عدای دیگر ترجیح می‌دادند برای دیگران و در خارج از ارانی شرکت‌های سهامی زراعی بکار مشغول شوند. بیگانگی روستائیان بهسباحت نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی مربوط به حدی بود که در اغلب آن شرکتها، روستائیان حتی نمی‌دانستند که هیات مدیره چگونه انتخاب شده و در نهاله در صفحه ۱۶



بودجه ۶۴:

در سال ۶۴ ما از خنفل ۲۲ میلیارد ریال مالیات گرفتیم در حالیکه از حقوق بگوان ۹ میلیارد گرفتیم. تقریباً سه برابر است. و ما حدود ۵/۲ میلیون شغل داریم در حالیکه یک میلیون پرونده مالیاتی داریم. (بگوان اول آبان ۶۳). بانکی ازمان دارد که ما به یک سسری مالیات های غیر مستقیم و درآمد های غیر مستقیم روی می آوریم. ما اسباب ما بودجه بهاینگار روی آوردیم و مالیات ها که با اصلاح بعنوان اهرمی در جهت مهار تورم جز هدف های دولت اعلام شده بود، بهاینگار ترتیب اثر ندادیم. داشته و علاوه بر قیمت کالاها افزوده می شود و گمانیکه در محرم بلا واسطه این افزایش قیمت ها قرار می گیرند. کارگران و زحمتکشان هستند و رژیم که به علت کاهش درآمد های نفتی، چشم امید به درآمد های مالیاتی داشته است، تلاش دارد که با انواع اهرم های قابل دسترس هرچه بیشتر مالیات ها را وصول کند. اما بنابراین باید که در ابتدا از کردار این تلاشی با هم در جهت کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان عملکرد می یابد. آخرین ترفند رژیم به منظور وصول درآمد های مالیاتی از خنفل را از زبان بانکی می شنوی: "مشاغل از سوی وزارت دارائی به چهار قسمت تقسیم شده که مورد تأیید دولت هم قرار گرفته است تا بر اساس یک ضرایب یک ملی الحسابی از ایشان گرفته شود و بدینوسیله مقداری از این درآمد ها تامین می شود.

(بگوان ۷ آذر ۶۳). بدین ترتیب مالیات ها از بدین مشاغل، به پناه مالیات بر درآمد انگاشته نمی شود بلکه هزینه های شخص مثل اجاره که عیناً به قیمت کالاها سرشکن شده و اثرات تورمی خواهد داشت. البته با این روش برخی از مشاغل خرد و میان خواهند بود، اما جهت عمومی این نوع مالیات ها سرشکن شدن آن بر روی قیمت کالاها است. بدین ترتیب مشاهده میشود که سیستم مالیاتی دولت اولاً در جهت ضایع سرمایه داران حاکم قرار دارد، ثانیاً بر مالیات های غیر مستقیم متکی است، ثالثاً توانائی وصول مالیات مستقیم از سرمایه داران را نداشته و فشار بلا واسطه آن بر کارگران و کارمندان قرار دارد و مجموعاً سیستمی است که شدیدا در جهت عکس منافع کارگران و زحمتکشان عملکرد دارد و رابطه مالیات ها بعنوان اهرمی بالقوه می تواند عملکرد ضد تورمی داشته باشد و در اینجا عملکردی در جهت دامن زدن به تورم دارد.

حال باید دید که آیا درآمد های پیش بینی شده مالیاتی قابل وصول است؟ میزان کل درآمد های مالیاتی در لایحه بودجه سال

۶۴ نسبت به درآمد های مالیاتی مصوب در بودجه سال ۶۳ قریب به ۲۲ درصد افزایش یافته است. این پیش بینی افزایش وصول مالیات ها در حالی صورت گرفته که بنابر اعتراض سران حکومت، میزان مصوب سال ۶۳ و ۶۴ نتوانسته است تحقق یابد. بانکی می گوید: در سال جاری ما برای مالیات ها فکر میکردیم ۰۰۰ (که) به دلیل گرفتاری های اداری و نبودن طراح ها، ممکن نشد. نخستین نیز بر اساس استعمال دولت در تامین درآمد ها و همچنین تضاد در هیات حاکمه اظهار میدارد که "مضافات بخاطر وجود روحیه ای منفی برای دادن مالیات (که) اشارات به معنای که در مورد دادن مالیات در بازار پخش شد. در سطح جامعه از سوی همین قشر و نیز عدم طراح های موفقیت آمیز مکانیکی کار را برای گرفتن مالیات، به سبقت قابل توجهی در این زمینه بدست نیاورد است" و با این وجود در حالی که دولت از وصول ۸۷۳ میلیارد ریال مالیات سال جاری عاجز است، میزان پیش بینی درآمد های مالیاتی را برای سال ۶۴ به ۱۰۶۳ میلیارد ریال افزایش داده است. آنچه مسلم است نباید لایلی که قبلاً ذکر شد عدم تحقق درآمد های مالیاتی به میزان است که در لایحه بودجه تعیین شده است. از اینرو میزان کسری درآمد های مالیاتی نیز به پیش بینی شده کسری بودجه اضافه شده که تنها راه برای تامین آن استفاده از اعتبارات بانکی است.

۳- ضایع تامین کسری درآمد ها نسبت به پرداخت ها - بطوریکه مشاهده شد حدود ۸۴ درصد از درآمد های عمومی را درآمد های نفتی و مالیاتی باید تشکیل دهند که در واقعیت امر ارقامی گزاف هستند. بر اساس این ارقام گزاف کسری درآمد ها نسبت به هزینه ها بالغ بر ۳۹۴ میلیارد ریال میشود. بر اساس پیش بینی های لایحه بودجه، از این مقدار کسری (غیر واقعی) که کم نشان داده شده (حدود ۲۴ درصد از اصل) برگشتی از پرداخت های سال قبل و ۷۶ درصد آن از طریق استفاده از وام های داخلی که اساساً همان استفاده از اعتبارات بانکی است، تامین میشود. ضعیف اصلی تامین کسری

جدول شماره (۳)

مقایسه نقد بینگی با تولید ناخالص داخلی برای سه سال متناوب بمیلیارد ریال (به میلیارد ریال)

سال	۲۰۹۲	۵۸	۶۲	نقد بینگی
سال	۲۰۹۲	۳۰۰۰	۷۳۷۷	۲۵۲+
تولید ناخالص داخلی	۲۰۹۲	۳۰۰۰	۷۳۷۷	۲۵۲+
به قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳	۲۱۳۴	۳۳۶۲	۳۰۶۰	۲۳-

بودجه (اعتبارات بانکی) بخودی خود بهاینگار تورم زائی است. اما همانگونه که مطرح شد، مقداری کسری بودجه به سایر کشورها و اقوام آن در لایحه بودجه اینجایی شده است. با توجه به اینکه اقلام هزینه ها دارای انعطاف بسیار محدود در کاهش هستند، هرچه که درآمد های پیش بینی شده تحقق نیابد بر میزان کسری بودجه افزوده خواهد شد. و از آنجا که قلم غریبه و تامین کسری یعنی برگشتی از پرداخت های سال های قابل شخص و غیر قابل افزایش است، بنابراین افزایش کسری بودجه به افزایش اعتبارات بانکی منجر خواهد شد. یعنی عملکردی در جهت افزایش نرخ تورم خواهد داشت. تجربه سال های گذشته نیز همین ضوال بوده است. جدول شماره ۲ میزان کسری بودجه مصوب و کسری بودجه واقعی را طی سال های ۶۰ - ۵۸ نشان میدهد.

جدول شماره (۲)

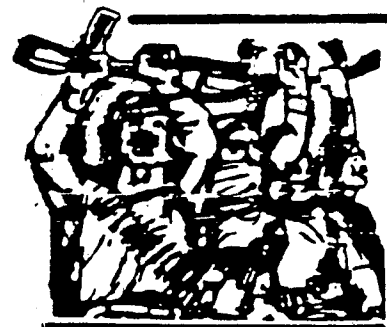
مقایسه کسری بودجه مصوب و قطعی طی سال های ۶۰ - ۵۸ (بمیلیارد ریال)

سال	مصوب	قطعی	اختلاف
۵۸	۳۰۰	۴۳۷	۱۳۷
۵۹	۳۹۴	۹۰۲	۵۰۸
۶۰	۷۰۲	۱۱۰۲	۴۰۰

تراکم کسری بودجه های دولت و تامین اعتبارات از سیستم بانکی یکی از مهمترین دلایل افزایش نقد بینگی طی سال های فوق الذکر بوده است. این افزایش شدیدا در حجم نقد بینگی در حالی صورت پذیرفته که علاوه بر تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳ کاهش داشته است. جدول شماره (۳) مقایسه ای بین روند معکوس افزایش نقد بینگی و کاهش تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳ را برای سه سال متناوب ۵۸ - ۶۰ و ۶۲ نشان میدهد.

بقیه در صفحه ۱۲

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلق های ایران است



کردستان انقلابی ، پرشورترین کانون مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی

طی پنج سال حاکمیت ارتجاعی و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی ، بسیاری از دستاوردهای قیام شکوهند بهمن بتاراج رفت و جنبش در مقاطعی با ضرباتی شکننده روبروشد . اما آریه انقلاب از حرکت باز نایستاد و صلابت آن همچنان برقرار ماند . انقلاب در عرصه های متفاوت ، تعرض و تحریک خود را در برابر ضد انقلاب همچنان حفظ کرد . تشکلهای مسلحانه خلق های تحت ستم ایران ، یکی از بارزترین نمونه ها و برجسته ترین تجلی گاه این مد اومت انقلاب است .

این مد اومت ، بویژه با قدرت هر چه ناخبر در کردستان انقلابی ، ارتشی ، پاسد اران و دیگر ارگانهای سرکوبگر را با ضربات کوبنده ای روبرو ساخته است . جنبش انقلابی خلق کرد ، علیرغم تمامی ادعاها و دروغ پردازیهای رژیم ، مبتی بر تسلط نیروهای در کردستان ، امروزه شبیه یکی از فعالترین و پرشورترین کانون های مبارزه مسلحانه ، آتش انقلاب را در این گوشه از میهن شعلهور نگاه داشته است . کردستان در سخت ترین شرایط و با استقامتی بی نظیر ، درغ قربانیهای بیشمار با خد اقد امکانات ، در مقابل ارتشی بسیار عالی ترین تشکیک و پیشرفته ترین تجهیزات نظامی ، همچنان پایدار مانده است . این همه توانمندی ، علیرغم نبود رهبری متمرکز و فقدان یک فرماندهی واحد و هماهنگی ، خود نشاندهنده بایز ایمان خلل ناپذیر خلق قهرمان کرد و رشید ار بودن این جنبش و بیانیکی ظرفیت بالا و وسعت توده ای و نفوذ عقیق آنست .

رژیم جمهوری اسلامی ، طی پنج سال گذشته ، برای درهم شکن مقاومت رژیم - جوانه این خلق قهرمان ، از هیچ جنایتی دریغ نوریده است . تیرباران ، تخریب آتش سوزی ، ترور ، شکنجه ، زندان و کشتار در ستم جمعی مردم روستاها و شهرهای کردستان ، شیوه هایی بوده است که رژیم طی این مدت علیه خلق کرد بکار گرفته است .

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ، برای بزانود راوردن این جنبش ، علاوه بر سرکوب نظامی ، به انواع و اقسام تشبثات ارتجاعی و دیگر ازمه محاصره اقتصادی ، خنجر اجباری روستائیان زحمتکش کردستان و تهدید ساکنان شهرهای آن و بسیاری حیل و ترفند های ارتجاعی دیگر توسل جسته است . اما همه این سیاست های جنایتکارانه ، با مقاومت کم نظیر و حماسه آفرین این خلق قهرمان که برای از میان برداشتن ستم ملی و دستیابی به حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می کنند ، با شکست کامل مواجه گشته است . این سیاستمدار در مقابل با اراده خلل ناپذیر توده های زحمتکش کرد و پیشمرگان دلیران ، جز شکست بیشتر برای رژیم جمهوری اسلامی فایده ای نداشته است .

امروزه ، اگر رژیم جمهوری اسلامی زیر آتش سنگین ترین جنگ افزارها و در پناه تانکها و هلی کوپترهای نوید ار آمریکا ، بخشهای وسیعی از سرزمین کردستان را به جولانگاه مزدوران خود بدل کرده است اما هرگز قادر نبوده و نخواهد بود اراده این خلق قهرمان را درهم بشکند و در عزم پیازداتی پیشمرگان دلیران خللی وارد آورد .

روزی نیست که پیشمرگان قهرمان کردستان ، مراکز تجمع و یارگان های دشمن را در دل شهرهای کردستان زیر ضربات خرد کننده خود نگیرند و بسیاری از پایگاههای ارتش و پاسد اران را به تصرف درنیاورند . روزی نیست که پیشمرگان حتی فرماندهان مزدور بسیج و پاسد اریجانش های خود فروخته را به ملکیت نرسانند و با به اسارت خود درنیاورند ، آنها را کردستان را به کورستان جنایتکاران تبدیل کرده اند و آنان را در پایگاههایشان به بند کشیده اند . در واقع هر پایگاهی که به پشتیبانی توپ و خمپاره و تجهیزات و زیراتش هلی کوپترها و راکت در کوههای کردستان مستقر میگردد ، خود به محاصره تنگی تبدیل شده است که سرکوبگران را جبارت خارج شدن

از آن نیست . نگاهی گذرا به شمار انبوه یکتاشدگان رژیم ، اسنحکامات سوخته شده آنان در چهارماه گذشته ، خود بارزترین نمود این قهرمانی ها و اینه تمام نمای قدرتمندی این جنبش انقلابی است . پیشمرگان قهرمان کردستان فقط در نبردها و یارتریانی چهارماه گذشته ۶۶۹ تن از مزدوران سرکوبگر را به ملکیت رسانده ، ۲۵۰ نفر را به اسارت درآورده و بیش از ۳۷۰ خود روی نظامی دشمن را به شهادت نبرده اند . طی همین مدت و در جریان نبردها ۹۳۲ نبرد قهرمانانه ، ۶۴۶ قبیله تنفک و چند هزار افراد و ۱۲۸۹ تانک و دستی و بیش از ۱۵۰ هزار گوله فشنگی ، ۳۹۱ گدله آر پی جی و ۶۸ قبیله سلاح سنگین و نیمه سنگین شامل خمپاره و مسلسل و تیربار به یغنیت گرفته اند . تنها طی همین چهارماه ، پند و پنجاه و نمن از سربازان و دیگر فرب خوردگان رژیم خود را به انقلابیون تسلیم کرده اند . در طی این چهارماه یکصد و بیست و نه تن از ساکنین بر دفاع روستاها و رانفجار توپها و خمپاره های دشمن به شهادت رسیده اند . درها روستا ویران گشته ، بسیاری از مردان به آتش کشیده شده و تبدیل به خاکستر شده اند . بسیاری از دامهای روستائیان که تنه اشبع در امد ناخیزشان را تشکیل میدهد ، در اثر این ویرانه ها از بین رفته و یار رهجوم پاسد اران و ارتشیان غارت شده است .

آری امروز وجب به وجب خاک کردستان قهرمان ، پایگاه حماسه رزمی انقلابیست ، خانه و کاشانه حقیرانه و کوچک هر روستائی زحمتکش کرد ، سنگر قدرتمند و پناه اتخار آفرین پیشمرگان دلیری است که آتش رژیم انقلابی را در قلب کردستان شعلهور نگاشته و ضربات برق آسای آنان همچون تندره صفود دشمنان را امان قرار داده است . رزیشان باید ار -



بودجه ۶۴:

جدول شماره ۳ نشان میدهد در حالی که نقدینگی از سال ۱۳۵۶ تا ۶۲ حدود ۲۵۲ درصد افزایش داشته، تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت طی همان مدت زمانی ۲۳ درصد کاهش داشته است. این روند در جهت افزایش نرخ تورم عمل کرده و عملکرد بودجه سال ۶۴ نیز در روند اوم همین روند خواهد بود. این روند در جهت ضایع سرمایه داران علی الخصوص بورژوازی تجاری قرار دارد.

بودجه های بودجه

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۳۶۴ هزینه های عمرانی (اعتبارات سرمایه گذاری ثابت) به ۱۱۰۶ میلیارد ریال و هزینه های جاری به ۲۷۶۲۴ میلیارد ریال بالغ خواهد شد. بدین ترتیب هزینه های عمرانی نزدیک به ۲۹ درصد و هزینه های جاری بیش از ۷۱ درصد از کل هزینه های عمومی را تشکیل می دهند. نخست وزیر در دفاع از لایحه بودجه سال ۶۴ در مجلس مقایسه های بین هزینه های عمومی سال ۶۴ (۳۸۱۸۸۷ میلیارد ریال) با هزینه های عمومی مصوب سال ۶۳ (۳۸۷۰۶۱ میلیارد ریال) بعمل آورد و مدعی شد که در جهت مهارت تورم و در جهت کاهش کسری بودجه سعی شده که در حد امکان از بار هزینه ها کاسته شود. اما ارقام مذکور در جدول و درصد سهم هزینه های عمرانی و جاری در کل هزینه ها که در فوق به آن اشاره کردیم، درست جهت عکس با اصطلاح اهداف دولت را نشان می دهد. به علاوه ریاکاری " دولت خد شکران " و فسطاطی در مورد اهداف بودجه وقتی بیشتر آشکار می شود که بخش های مختلف هزینه های عمومی سال ۶۴ با سال ۶۳ مقایسه شود. نخست وزیر در حالی که فقط ۲ میلیارد ریال کاهش در هزینه های عمومی (آنهم بر اساس لایحه و نه در عمل) یعنی چیزی حدود نیم درصد در نشان جهت گیری ضد تورمی معرفی می کند از تغییر در ترکیب هزینه ها آید سخن به میان نمی آورد. در حالی که مقایسه هزینه های سال ۶۴ با سال ۶۳ نشان دهند افزایش هزینه های جاری و در عرض تقلیل هزینه های عمرانی هم بطور مطلق و هم بطور نسبی است. هزینه های عمرانی سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳ قریب به ۸۰ میلیارد ریال کاهش یافته است. این میزان ۷ درصد کاهش در هزینه های عمرانی را نشان می دهد. از طرف دیگر هزینه های جاری سال ۶۴ نسبت به سال ۶۳ قریب به ۲۸ میلیارد ریال یعنی حدود ۳ درصد افزایش یافته است. اگر نسبت هزینه های عمرانی به هزینه های جاری در سال ۶۳ برابر با ۴۴ درصد بود این نسبت در سال ۶۴ به ۴۰ درصد کاهش می یابد. ترکیب هزینه ها و روند تغییرات به سمت هزینه های جاری نه تنها در جهت اهداف اعلامی بودجه در " مهارت تورم،

حفظ و تدوین رشد تولید و گسترش در جهت ایجاد اشتغال مولد " نیست بلکه برعکس در جهت افزایش نرخ تورم، رکود و بیکاری است.

روند مخرب فوق الذکر در هزینه های عمومی دولت سبب تدوین و تشدید بحران اقتصادی است. و جالب توجه است که در مقده بودجه سال ۵۹ در این مورد می خوانیم که " با توجه به وجود تمایل خطرناک در مالیه کشور در جهت متورم شدن بیشتر بودجه جاری نسبت به بودجه عمرانی کشور قبول پرداخت های گوناگون که عملاً تناسبی با بازده تولیدی کشور ندارند، بدین شک ارائه این روند در سالهای بعد امکان پذیر نبوده و کشور را با بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیق مواجه خواهد ساخت. " مقدمه بودجه ۵۹ در حالی از " تمایل خطرناک در مالیه کشور " نام می برد که نسبت بودجه عمرانی به بودجه جاری در سال ۵۸ برابر با ۵۷/۵ درصد و در سال ۵۹ برابر با ۵۶/۶ درصد رسیده بود. مقایسه این نسبت ها با نسبت بودجه عمرانی به جاری در سال ۶۴ (۴۰ درصد) روند تعمیق یافته " تمایل خطرناک در مالیه کشور " که " کشور را بحران مالی و اقتصادی بسیار عمیق مواجه خواهد ساخت " را روشن می نماید. اما علق بحران زائی بودجه دولت زمانی بیشتر آشکار می شود که تحقق بودجه های عمرانی را نیز در نظر بگیریم. نه تنها در بودجه های مصوب طی یک روند نسبت بودجه عمرانی به جاری به تدریج کاهش یافته، بلکه تحقق بودجه های عمرانی بسیار پایین تر از میزان مصوب بوده است که خود ناشی از بحران اقتصادی و در عین حال تشدید شده کننده آن بوده است. جدول شماره ۴ که برای سالهای ۶۰ تا ۶۳ تنظیم شده مطالب فوق را بهتر آشکار می سازد.

جدول شماره (۴) نسبت بودجه عمرانی به جاری طی سالهای ۶۰ - ۱۳۵۸ (بر حسب درصد)

نسبت بودجه	سال	عمرانی به جاری
۵۸	۵۹	۶۰
۴۷/۵	۵۶/۲	۳۱/۵
۳۵	۳۳/۷	۳۰

مشخصات بحران زائی، انگی و سرکوب گرانه بودجه دولت یاد در نظر گرفتن سهم اجزاء تشکیل دهنده هزینه های جاری باز هم بیشتر بر ملا می شود. متأسفانه اساک دولت در ارائه ارقام و ریز اقلام بودجه شناخت این مشخصات را مشکل میگرداند، اگرچه در روند یک روزمره بخوبی لمس میشود. ولی بهر حال از اقلام بسیار مهم و حیاتی بودجه های سالانه برای هیأت حاکمه هزینه های ارباب و سرکوب و توسعه طلبی و به عبارت دیگر هزینه های نظامی و جنگی است. دستمای برقم اصلی این قلم از اقلام هزینه ها بطور مشخص و دقیق نامبر است. هزینه های سرکوب در کل احکام هزینه ها سرشکن شده و آنچه ملموس است

فقط بخشی از آن را تشکیل می دهند. اما حتی با استناد به سخنان نخست وزیر در مجلس ابعاد فاجعه آمیز هزینه های نظامی را میتوان تا حدودی تشخیص داد. وی گفت " بررسی دیگری روی روند رشد بودجه جاری در سالهای اخیر نشان میدهد که هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ تعمیلی از رقم ۶۴۱/۴ میلیارد ریال در سال ۵۹ به ۱۲۱۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۰۳/۶ میلیارد ریال در بودجه مصوب سال ۶۳ افزایش یافته است. " به عبارت دیگر بودجه نظامی در سال ۶۳ نسبت به ۶۲، ۶۲/۶ درصد رشد داشته است. از آنجا که صحنه های جنگ با عراق طی این مدت بطور نسبی راکد بوده است، میتوان ماهیت اصلی این افزایش را که همانا سرمایه سرکوب تو دها و خلق کرد است، درک کرد. نخست وزیر با اصطلاح " هزینه های مستقیم و غیر مستقیم جنگ تعمیلی " برای سال ۶۴ اعلام نکرد، اما حتی اگر این هزینه ها در سال ۶۴ برابر با سال ۶۳ نیز در نظر گرفته شود، حجم انبوهی از هزینه های جاری در جهت امور نظامی صرف خواهد شد. که نسبت نظامیگری (علنی و غیر علنی) دولت را آشکار می سازد. این نسبت برای سالهای ۶۲ و ۶۳ به ترتیب برابر با ۴۸/۵ و ۴۸ درصد بوده است و در سال ۶۴ به ۶۴ درصد افزایش یافته است. برای سال ۶۴ نیز با ۴۷/۵ درصد هزینه های جاری خواهد بود. مقایسه درصد هزینه های نظامی با کل هزینه های به دست آمده و در مان (۴۴ درصد هزینه های جاری) و هزینه های آموزش و پرورش با آن ابعاد فراگیرش (۱۶ درصد از هزینه های جاری) خود معیاری است برای ماهیت سرکوبگرانه رژیم و بودجه نظامیگری آن. بطور خلاصه میتوان گفت که ماهیت و ترکیب هزینه های جاری دولت نیز انعکاسی از وضعیت اقتصادی - سیاسی جامعه و ماهیت دولت است. عملکرد هزینه های جاری رژیم در جهت تورم زائی و سرکوب و ایجاد اشتغال انگل و ارباب گرانه برای مزدوران حزب اللهی قرار در بهر حال، بطوریکه از ارقام لایحه بودجه هم از یاد ماها و هزینه ها و ترکیب این اقلام بر می آید، جهت گیری بودجه سال ۶۴ بالا حیار در تدوین اوم روندی است که بحران اقتصادی را در امن می زند. عملکرد این بودجه در سال آینده - تا آنجا که عامل عملکردی بودجه در وضعیت عمومی اقتصادی دخیل است - در جهت تشدید تورم، افزایش رکود تولیدی و رشد بیکاری قرار دارد. این روند فزاینده " بحران، وضعیت معیشتی تو دها را بیش از پیش به مخاطره خواهد افکند و در عین حال عرصه های انتشار و جپاول بی نظیری را در خدمت سرمایه داران بویژه بورژوازی تجاری و در راس هم مستکین و واسطه ها و دلالها می کشاید. بحران فزاینده روزی روز برای تو دها غیر قابل تحمل تر شده، ناراضی ها اوج می گیرند، اعتراضات گسترده و شراک می شود. ... تضادهای جامعه روبه انفجار می گذارد.

بخش نشریات

نظامی اعلام نشده و غیر رسمی که هم اکنون برجامه حاکم است، آنها تلاش دارند تا هرگونه اعتراض را در نقطه خفه سازند، ازبوند پیشاهنگ انقلابی و تودمها معانعت بعمل آورند و از انتشار اخبار مربوط به اعتراضات و حرکات تودمهای متوسط سازمانهای انقلابی جلوگیری کنند. اما واقعیت اینست که جو ارباب تاحدودی درهم شکسته است. مزدوران و جبرمخواران متشکل در گشتهای ثارالله، کمیته، جندالله، شهرپانی، امر بصره و... در ستانی، طوامار... مرتب در حال گشت زنی می باشند اما کشتار شکاری همچنگ می آورند. برخورد مزدوران مسلح رژیم با نشریات، اعلامیه ها، تراکها و شبنامه ها به گونه ای است که گوئی سبک مرگ خویش را یعنی نظاره کرده اند. عکس العمل حیرت آوران در مقابل بخش اوراق تبلیغی، انجمن هیستریک و... دیوانوار و مجسمه ها است که برای ناظرین شاید تعجب آور جلوه کند. اما واقعیت این است که آنها نفرت تودمها از رژیم را بیشتر لمس می کنند و از اینرو نمی توانند حد اقل رابطه ای را که از طریق اوراق تبلیغی، بین تودمهای متفر از رژیم و پیشاهنگ انقلابی پیدا می نماید تحمل کنند.

در مقابل، بخش اعلامیه، تراکت و پوستر خیزنامه شدت مورد توجه تودمها قرار می گیرد. پاره ای از گزارشات بخش که عیناً ارائه میگردد حاکی از آنست که تودمها تشنه آگاهی بوده و مشتاقانه علی رغم جو خفقان و سرکوبه از بخش آنها استقبال می کنند.

فشارهای گوناگون اقتصادی، بحران مردم افزون، بیکاری گسترده و فقر و فلاکت عمومی و در کنار آن فشارهای متعدد سیاسی و نبود کوچکترین آزادی حتی در زندگی خصوصی افراد، کارگران و زحمت کشان را بمحالتی انفجار گونه گشاده است.

تودمها، ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم را اینک با گوشت و پوست خود لمس کرده اند، چیزی که میخواهند بدانند و تشنه اند اینست که چگونه باید این رژیم تبهکار را سرنگون کرد و چگونه رژیمی را باید جایگزین آن ساخت.

در همین راستا تودمها زنجیره کارگران تشنه ریافت اخبار مبارزات دیگر کارگران و زحمتکشان و تاشکهای بکار گرفته شده از سوی آنها هستند. بی جهت نیست که اخبار مبارزات تودمهای علی رغم سانسور شدیدی رژیم، به سرعت در سطوح وسیع منتشر میگردد. اخبار مربوط به اعتصابات متحصن ها و درگیری های مردم با مزدوران رژیم از جمله اخباری

است که شدیداً استقبال شده و در دهان به دهان میگردد.

فی المثل در تابستان سال گذشته خبر مربوط به متحصن مردم زحمتکش افسریه و بش اتوبان افسریه تنها در فاصله ۲ ساعت در سطح شهر تهران انعکاس یافت و به سرعت این تاشک یعنی ایجاد راه بندان در نقاط مختلف تهران یعنی در شهرستانها از جمله در اراک بکار گرفته شد. و با خبر مربوط به اعتصابات شرکت دخیانیات و کانادادری در تابستان سال جاری در فاصله زمانی کوتاهی در تهران و سپس در شهرستانها منعکس گردید. در این میان اخبار اعتصابات کارگری جاپاه و ویژه های ارد و شور و شعل بسیاری در تودمهای زحمتکش برمی انگیزد. آنها بطور غریزی و به تجربه لمس کرده اند که مبارزه تعیین کنند مبارزیم باید از کارخانجات و بویژه مراکز گیلیدی آغاز گردد. باید تولید خوابانده شود و رژیم فلج گردد. بی جهت نیست که اخبار مربوط به اعتصابات کارگری حتی گاه با وسعتی به مراتب وسیعتر از آنچه اتفاق افتاده نشر می یابد که این نیز نشانه تایل روزی تودمها به کسرتی هرجه بیشتر ابعاد مبارزات است. در چنین شرایطی، قطعاً راد پویترین نقش را در تبلیغ ایفا می کند اما این بدان معنا نیست که فعالیت مستمر کار تبلیغی، به تبلیغ شفاهی توسط راد پیروانه گردد. چرا که حضور مستقیم پیشاهنگ در عرصه مبارزات کارگران و مبارزه با سانسور و تودمها، شرکت در مبارزه و سازماندهی آن مبارزات، همواره جزو لاینفک وظایف پیشاهنگ انقلابی بوده و هست.

نشریات توزیع شده باید با توضیح و تشریح برنامه سازمان راه رهایی مشخصات حکومت انقلابی کارگران و زحمتکشان یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را بتودمها نشان داده و اثرات توجیه انقلابی راد مقابل تمامی آلترناتیوهای ضد انقلابی و فریبنده قرار دهد.

سازمان ما علی رغم ضربات متعددی که طی سه سال اخیر متحمل شده است اما لحظه ای در تحقق و پیشبرد وظایف انقلابی و آزادی نشسته است. رفقای بخش توزیع، با درک مسئولیت عظیمی که بر دوش دارند در جریان پراتیک انقلابی خود، به ستاوردهای بسیاری در این زمینه ناائل گشته اند. گزارشات ارائه شده بهیانگسرتنها گوشه ای از فعالیت مستمر رفقا در این زمینه است. این گزارشات از میان گزارشات مربوط به سماعه دوم سال ۶۳ انتخاب شده و چند نمونه از گزارشات بخش نیز مربوط به سمراست. ما به دلیل رعایت اصول امنیتی و همچنین از آنجا که در سلیله مقالاتی تحت عنوان "تبلیغ و نشر" به تفصیل از روشهای تکنیکی بخش و تاشکهای مشخص مربوط به شیوه های بخش صحبت



کرد ایم. وارد جنبه های تکنیکی نشد مونتبا بعد جنبه آن اکفا می کشیم.

۱- عکس العمل تودمها نسبت به بخش. ۲- عکس العمل عمال رژیم نسبت به آن. هدف از ارائه نمونه گزارشات و بتصویر کشیدن آنها، بیان استقبال و یا انعکاس تودمها و تأکید بسیار بر این وظیفه حیاتی یعنی کار وسیع تبلیغی در شرایط کنونی است. گزارشات انتخاب شده مربوط به بخش مستقیم رفقا در مقابل کارخانجات و یا مراکز تجمی تودمها بود و شامل گزارشات مربوط به پست سرخ و یا توزیع خانگی مستقیم نمی گردد.

۱- گزارش بخش در مقابل کارخانه های الکتریک (خیابان آزادی) در نیمه ماه تعداد و تودم اعلامیه: ۱۴۰ عدد ضمیمه خبری کار ۱۸۱، ۱۴۰ عدد تراکت و مورد جمهوری دموکراتیک خلق.

ساعت ۴/۲۰ دقیقه بعد از ظهر هنگامی که کارگران کارخانه در حال خروج بودند تراکها و ضمیمه خبری به سرعت در میان کارگران پخش شد. تعدادی از کارگران ضمیمه و اعلامیه را برداشته و شروع بخواندن کردند بعضی از کارگران نیز دور آنها جمع شده و می پرسیدند متعلق به کدام سازمان است؟ در این میان زنی حدود ۳۰ ساله که بچه ای در بغل و بچه ای نیزه همسراه داشت یک ضمیمه خبری برداشت و از پسر بچه همراهش که حدود ۱۰ ساله بهر دست خواست که برایش بخواند و همچنان برایش ادامه داد. حدود یک ربع بعد تنها ۱۵ عدد از مجموعه تعداد پخش شده برجای مانده بود.

اشکاکات بخش - بعد از لیل حجیم بودن ضمیمه خبری و سنگینی آن، در یک منطقه پخش شد و نتوانست سطح وسیعتری را تحت پوشش قرار دهد.

۲- کارخانه بایر (پارس دارو) تعداد و تودم اعلامیه: ۱۵۰ عدد ضمیمه خبری ۱۵۰ عدد تراکت "زنان محروم و تحت ستم ایران". تاریخ بخش ۲۲/۴/۶۳ ساعت ۳ و ۳۳ دقیقه بعد از ظهر هنگام خروج کارگران از کارخانه تراکها و ضمیمه های خبری پخش گردید. کارگران سریع شروع به برداشتن آنها کرده و سوار سرویس ها می شدند تا انجمن اسلامی و حراست نتوانند مانع برداشتن آنها گردند. چند نفر از کارگران هم یک ضمیمه خبری برداشته و می خواندند. یکی از آنها گفت: "اعلامیه تودمها بهیاست؟" دیگری گفت نه بابا شوشه جنبش تودمهای، سال چریکهای فدائی خلق و کارگر دیگر گفت راست میگفت نوشته چریکهای فدائی. در غروب و در زمین تقریباً تمام ضمیمه خبری و تراکها از زمین برداشته شده بود. تنها ۴ عدد کف خیابان باقی مانده بود و - حدود ۴ - ۵ عدد نیز توسط مزدوران حزب اللهی پاره شد. بقیه در صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بخش نشریات

۳- مرکز آمار ایران

تعداد و نوع اعلامیه: ۴۵ عدد ضمیمه خبری - ۴۵ عدد تراکت - زنان محروم و ...
تاریخ: ۱۳۶۳/۴/۲۵
ساعت: ۳ بعد از ظهر تراکها و ضمیمه خبری پخش گردید. علاوه بر تعدادی از کارکنان آن که از هر گرد ام یی برداشته و به سرعت از منطقه خارج می شدند، عابری نیز تعدادی از آنها را برداشتم می رفتند.
تنهایی از عابری: ۴ عدد ضمیمه خبری برداشته تا زده و با خود برد. در این میان تعدادی از ماشین های عبوری نیز متوقف می شدند، ضمیمه خبری و تراکت برداشته و می رفتند. حدود ۱۰ عدد ضمیمه خبری هنوز در یک خیابان باقی بود که مردان حراست پیرامون به خیابان ریخته و شروع به جمع آوری آنها کردند. مردی از خانگی که ضمیمه خبری را در دست داشت و می خواند پرسید: این چیست؟ در باره چی نوشته؟ خانم در جواب گفت: زیاده وضع مردم و کارخانه ها، مال سازمان چریکهاست.

۴- کارخانه اتوبوسال

زمان پخش: ۱۳۶۳/۶/۲۶
تعداد و نوع اعلامیه: پیام تسلیم به مناسبت تصادف خونین کارگران و شهادت تعدادی از آنها، ۱۶۰ عدد تراکت - کارگران، گردان پشته از مبارزات توده ها به اضافه دستهای گل.
پخش در ساعت: ۴/۱۶ دقیقه در سه نقطه مقابل درب خروجی در میان کارگران انجام گرفت. کارگران ابتدا با تعجب به صحنه پخش نگاه می کردند و بعد بطرف اعلامیه ها می آمدند. کلاً تمام کارگرانی که توجه پخش شدند هم اعلامیه و هم گل برمی داشتند. بهر مرد کارگری بطرف اعلامیه ها روید یک اعلامیه و چند شاخ گل برداشت. هیچکدام اعلامیه ها پاره نشد. چون موکراتیکی در مقابل کارخانه پد پد آمده بود. کارگران به پخش برداشتن اعلامیه بلند شروع به خواندن آنها میکردند.
۵- کارخانه سلسل سازی.

بعد نبال افزایش قیمت غذای روزانه کارگران و امتناع آنها از خوردن غذا روز ۱۳۶۳/۷/۲۳ تراک با عنوان "جرا دو تومان اضافه بدیم" با اعضای کارگران پیرو پخش گردید.
بعضی پخش تراکها که در سه نوبت صورت گرفت و کلاً ۱۵۰ عدد بود. تقریباً تمامی تراکها توسط کارگران برداشتمند کارگران از انجام پخش بسیار خوشحال بنظر میرسیدند. یکی از کارگران به شوخی بدوستانش گفت: فلانی، حالا دیگه برای ما اعلامیه پخش می کنی؟ رفیقش در جواب

ردید: "و یا کارگر در پیرن بدوستانش گفت: "فلانی نینم دیگه اعلامیه چاپ کنی ها؟ او نیز در جواب گفت: "می کنم و به هیچ کس مربوط نیست". حدود ۱۰ دقیقه پس از پخش، بازرسی و حراست توجه پخش شدند و بسیار دستچاچه شده بودند. از روز بعد، حراست و بازرسی تنهایی مسلح در مقابل کارخانه گذاشته بودند تا از هر گونه پخش جلوگیری نمایند و کارگران نیز با تسخیر مزد و تسلیم نگاه کرده و گفتند: "عجب خرها می هستند، فلان فلان شده ما می خواهند چه کسی را بگیرند. همچنین از روز بعد از پخش، بازجویی از کارگرانی که شروع کنند حرکت اعتراضی بودند شروع شد.

۶- فرماندهی وید پریت استند امسی نیروی دریائی (تهران نو)
تاریخ پخش: ۱۳۶۳/۷/۱۰
تعداد و نوع اعلامیه: ۱۰۰ عدد - نشریه کار ۱۸۳ ویژه جنگ، ۸۰ عدد اعلامیه - کارگران در هر دو رژیم به یکسان غارت می شوند.

ساعت: ۲ بعد از ظهر عملیات پخش آغاز شد. پرسنل در حال خروج بودند مردی حدود ۲۵ ساله با تعجب گفت: چه جور می خنند، عجب سرخ کار کردند، در این موقع مردی رشو به درجده از جوانی گفت: "چه گمانی پخش کردند؟" و او جواب داد: "دو نفر بودند"، دیگری گفت: "بنظر می آید مسلح باشند". در این لحظه چند همافر به پراشتن نشریه پرداختند، یکی از آنها که حدود ۲۸ سال سن داشت گفت: "مال سازمان چریکهای فدائی خلق". بعد لیل حجم زیاد نشریه تعدادی که همراه می بودند زیاد نبود و اکثری پس از خواندن تیرمطالب، نشریه را راه میگردند و می ترسیدند با خود حمل کنند.

۷- کارخانه باهر.
تاریخ پخش: ۱۳۶۳/۷/۲۳
نوع و تعداد: ۱۵۰ عدد نشریه کار، ۱۸۳ (ویژه جنگ)
ساعت پخش: ۲/۳۰ دقیقه، ساعت خروج کارگران

بعد لیل سنگینی نشریات، پخش بصورت وسیع صورت گرفت و عدتها در دو سه نقطه ریخته شد، این بار تعداد کمی از کارگران موفق شدند نشریه بردارند زیرا که مردان انجمن اسلامی خیلی بی سرع اقدام کردند و نشریات را جمع آوری کرده و برای اینکه کارگران را از برداشتن نشریه باز دارند بهر یک وار فریاد میزدند مال تود ما هست، اما یکی از کارگران برای خنثی کردن تبلیغات مردان انجمن اسلامی گفت: "هی بیک کار پیدا نمیشن اینم کار درست". دقیقه پس از زمان پخش، گشت گشته از راه رسید و به

محضر مشاهده نشریه کار، ماشین ریاکار کرده نشریات را از انجمن اسلامی گرفته و بعد اخل ماشین بردند. یکی از پاسداران مسلح هم بصورت آماج باز در وسط خیابان مقابل کارخانه ایستاد اما همه مردان حالت ترس و دلواپسی داشتند و حتی پس از حرکت سرویس ها در محل باقی مانده بودند.

۸- شرکت مخابرات (سید خندان)
ساعت پخش: ۶ بعد از ظهر
تعداد و نوع: نشریه کار ۱۸۳ (ویژه جنگ) ۲۰ عدد.

منطقه شلوغ و پررفت و آمد بود. در وقت اتوبوس مقابل شرکت مخابرات حدود ۲ نفر ایستاده بودند که اغلب کارکنان شرکت مخابرات بودند. نشریه در همین محل پخش شد. اما آنها که در وقت اتوبوس بودند و با اتوبوس پیاده شده بودند و لا شده و نگاه می کردند به بینندگان متعجب به کدام سازمان است. برخی هم برداشته آنرا تا زده و با خود می بردند.

پسر جوانی یک نشریه برداشت و همچنان زده گفت: مال چریکها فدائیه دو سه نفر نیز پس از مشخص شدن اینکه نشریه متعلق به کیست آنرا لوله کرده و با خود می بردند. آنها تیرمطالب داشتند آنها هم که در اتوبوس بودند سرشان را از شیشه بیرون آورده تا بفهمند موضوع چیست چون تقریباً یک وضعیت غیرعادی پدیده آمده بود.

تمامی این وقایع حدود یک ربع بطول انجامید و طی این مدت تمام نشریات بتوسط مردم پاره شد و حتی یک نمونه از پاره شدن نشریه مشاهده نشد تنها یک نشریه که کنار کiosk روزنامه فروشی افتاده بود بوسیله یک حزب اللهی که مسئول دکه بود با نوک پا بعد اخل جوی آب انداخته شد.

در این موقع یک گشت ثارالله در مقابل هتل جنگلگردگان متوقف شد و شروع به صحبت با ناظرین کرد. این حرکت مردان نشان میداد که در آن محل اطلاعات ۳۶ مایونی جمهوری اسلامی توانسته وظیفه ضد انقلابی را با انجام رساند.

موردی از پخش نیز که در صف اتوبوسهاست، اتوبوسهای کرج و باساختان پزشکان بازار شازمیزه و ... صورت گرفته به دلیل تشابه عکس العمل ها ضرورت بهمان کامل گزارش منتفی است.

در جمع بندی از گزارشات پخش، بهمان چند نکته ضروری است:

۱- استقبال توده ها از اوراق تبلیغی فوق العاده قابل توجه است و بهر یک کارگران کتر هراسی در برداشتن نشریات و پاس اعلامیه ها و گاه "مطالبه علی آن بخود راه می دهند.

۲- عکس العمل رژیم در مقابل پخش نشریات فوق العاده بقیه در صفحه ۱۵

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پیام هیئت تحریریه...

آن به پیچیده کافی نبود. پس از انتشار اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان در مورد وضعیت مالی تشکیلات و اطلاع توده های هوادار از آن، سازمان بصورت بسیار تحسین برانگیز و انحصار آفرینی، بانکهای مالی نیروهای هوادار را روپوشد. بخش زیادی از این کمکها، به بانک و حسابهای کارگران و زحمتکشانی بود که سهمی از درآمد ناچیز خود را برای پیشبرد وظایف انقلاب، به سازمانشان اهدا کرده بودند. ما به وجود این روحیه در میان نیروهای هوادار خود که لازمه هرگونه حرکت انقلابی است و شرط ضروری پیروزی آنست انحصار کم و صمم و سرفرازیم تا پیروزی نهائی کارگران و زحمتکشان ایران یک دم از پای ننشسته و با درک اهمیت مسئولیتی که این روحیه برعهده سازمان ما می گذارد، ضمن اظهاراتشان و تشکر از همه رفقا و همه انبانی که سازمان ما را در این امر مهم و ارزنده یاری نمودند، اولین برنامه را در پیش خود را آغاز می کنیم. ما از کارگران انقلابی و کلیه هواداران سازمان می خواهیم با ارسال منظم اخبار گزارشات و پیشنهادات خود، ما را در هرچه بهتر و بیشتر کردن برنامه های راد یواری نمایند. فضای هرچه بیشتر این برنامه ها در گستره برخورد هرچه فعالیت شمامت. راد یواری فدائی فدائی باید دوش بدوش و همراهم نشریات کارگران سراسری سازمان و دیگر نشریات محلی، رشد ظرفیت جنبش توده های مردم ایران را سازمان دهد. صفوف آنها متشکل نماید و خیزش های نوین انقلابی گونی را هرچه بیشتر در این زند. ارتباط آنها را با یکدیگر برقرار سازد و حوزه های کوچک ارتباط گیری را به شبکه

انبوهی از سیستم ارتباطی تبدیل کند. اخبار و گزارشات مبارزات پراکنده مردم را بطور منظم و به موقع به یک جنبش برساند و به سازمان هم پیکار انقلابی طبقه کارگر ایران را سازمان دهد و نمایان های حزب انقلابی نوینی را بی افکند که صلح و میهن ها تن از کارگران و زحمتکش سراسر ایران را در یک قیام سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی سازماندهی و هدایت نماید. ما قطعاً پیروز خواهیم شد.

هیئت تحریریه فدائی فدائی



برنامه عمل سازمان را بهر طریق ممکن بمیان توده ها بپريد!

بخش نشریات...

حادث است پیروز در ماههای اخیر که حرکات و انحرافات کارگری و صنعتی بیشتر یافته است کنترل مزد و ان رژیم در مقابل کارخانه ها شدت بیشتری گرفته است. در بسیاری از کارخانجات علاوه بر کارگران مزد و مسلح، راهبهای خروچی کارخانه را به یک راه که قابل کنترل باشد سعی می کنند بعنوان مثال در مقابل کارخانه تولید اود بعد نیال چند بخش موفقیت آمیز، اطاقک نگهبان در سردر کارخانه تعبیه شده و راهبهای خروچی کارخانه سعی می کنند شده است و مواردی از بازجویی پس از بخش نیز در کارخانه ها مشاهده شده است.

برای مقابله با سیاستهای باز دارند رژیم ضروری است که اولاً حجم اوراق تبلیغی کم بوده و به راحتی قابل حمل و نقل باشد. در این رابطه اقدامی که صورت گرفت عبارت از این بود که از این بهر حجم ضمیمه خبری از ۱ صفحه یعنی دو برگ تبدیل به چهار برگ شد. اما دفعات انتشار آن افزایش باید. به این ترتیب ضمیمه خبری کار ۱۸۵ در دو شماره انتشار یافت. در صورت حجم بودن نشریه مثلاً ویزنامه ها، تبلیغات خانگی امکان پذیر است زیرا که بعد لیل حجم زیاد حمل و نقل آن توسط توده ها ممکن نیست و هم هست کردن یک نشریه و صفحه های امکان رسیدن آنرا به قصد کاهش می دهد. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد سال بازرسی نامه های پستی در کارخانجات است. از اینرو پست سرخ باید مستقیماً با شناسائی قبلی از محل سکونت کارگران برایشان ارسال گردد.



خلقهای سراسر ایران

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکاء دشمن عموم کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم سراسر جهان است. امپریالیسم، ایران را به یک کشور تحت سلطه و وابسته تبدیل نموده است. سازمان جریکهای فدائی خلق ایران که علیه امپریالیسم و سلطه آن پیکار میکند، در برنامه خود برای برانداختن سلطه امپریالیسم و طمع هرگونه وابستگی به آن، حواها را ملی کردن کلیه سرمایه های بزرگ داخلی، ملی کردن کلیه سرمایه های متعلق به انحصارات بین المللی، ملی کردن بانکها و ملی کردن تجارت خارجی و اعمال کنترل کارگری بر تولید و توزیع و حواستار امضاء کلیه قرارداد های اسارتبار است. هنگام با جابزه برای دمارا، سارزه علیه امپریالیسم و سلطه آنها نشاند. کشید.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی

امورات مربوط به مسائل
شرکتها) مانند تصمیم گیری در مورد رکاشت،
... سرمایه گذاری، ...، همچنین
انجام می پذیرد. از اینرو، بیگانگی
و هفتان نیست به شرکت های سهامی
زلفی و دستگاه اداره کننده آنها بیجباتی
فراهم آورد که حتی در مواردی که در آمده
و هفتان در اثر اجرای طرح افزایش یافته
بود، ودهای از روستائیان سهامدار
اظهار زایل بهاندل شرکتها و بازس
گرفتن زمینهای خود کنند. دستهای به
این خواسته روی نماند، زیرا که شروع
جنبش انقلابی در سال ۱۳۰۷، و هفتان
روستاهای تحت پوشش شرکتها عکس العمل
خوب را نسبت به اعمال سرمایه حاکم که به
طبق پیروگرانی روستایی انجام پذیرفت
باجمله به تأسیسات شرکتها و تقسیم مجدد
زمین ها نشان دادند. در نتیجه، تعداد
زیادی از شرکتها نابود شدند. بطوریکه
از کل تعداد ۱۰ شرکت سهامی زلفی موجود
در سال ۱۳۰۷، ۱۰ شرکت از میان رفته و
هم اکنون تنها شرکت باقی مانده است.

گشت و صنعتها، اصولاً، به واحد های
اطلاقی میشود که تولید، تبدیل، حمل،
انبار کردن، تامین مالی و تنظیم و بازار
یابی مواردی را در سطح جهانی همپا
داشته باشند. این واحدها عموماً به
شرکتهای چندملیتی، بانکهای بین المللی
سازمانهای بین المللی، وام، آژانسهای توسعه
یابی مواردی را در سطح جهانی همپا
داشته باشند. این واحدها عموماً به
شرکتهای چندملیتی، بانکهای بین المللی
سازمانهای بین المللی، وام، آژانسهای
توسعه ملی و اقالیم تعلق دارند. در
حقیقت، گشت و صنعت به سبب گشت
میشود که فعالیتهای مراحل مختلف پذیر
پاشی نامصرف را دربرگیرد. اینگونه
واحدها در سایر نهادهای سرمایه داری ایجاد
شده و برای بازارهای بین المللی فعالیت
می کنند. واحدهای گشت و صنعت را کلاً
میتوان بر دو دسته تقسیم کرد. برخی از این
واحدها در پی توسعه تولید کشاورزی (گشت
داشت و پروراشت) مستقیماً فعالیتهای
نداشته و از طریق قرار ادب کشاورزان -
محصول اولیه کشاورزی خود را به دست می آورند
در حالیکه در برخی دیگر، مراحل گشت و
داشت و پروراشت را خود مستقیماً به
عهده می گیرند. چنانچه در زیر می آید،
گشت و صنعت های عده در ایران از نوع
دوم هستند.

فکر ایجاد واحد های گشت و صنعت در ایران در دوره برنامه هفت ساله دوم یعنی در حقیقت اواخر دهه ۱۳۳۰ با دستیار سرمایه ازان غریب از خوزستان پیدا شد.

معذرت‌های طولی چند سال بعد هیچ اقدامی از جانب آنان جهت سرمایه‌گذاری در حوزه‌شان بعمل نیامد . ولی اولین واحد گشت و صنعت توسط دولت دارهفت تپه احداث شد و در سال ۱۳۴۳ به مرحله بهره‌برداری رسید . در سال ۱۳۴۸ قانون ایجاد شرکتها برای استفاده از زمین‌های زیرسد بمقتضای مجلس رسید که براساس آن بعد ولت‌سازه میداد زمینهای مزبور برای سرمایه‌گذاری آزاد کند . بنابراین زمینهای بمقومت ... هزار هکتار بوزارت آب و برق واگذار شدند تا آنها گشت و صنعتهای گوناگون احداث کنند .

بر طبق این قانون ظاهرًا اراضی بکر
بمزرات آب و برق واگذار شد، ولی واقعیت
غیر از این بود. بعنوان مثال در خوزستان
که اولین واحد های کشت و صنعت بها
شارکت سرمایه داران خارجی تاسیس شد،
زمینهای به مساحت ۱۰۰ هزار هکتار به کشت
گند و صنعت واگذار گردید. این زمینها
حدود ۵۰ روستا با جمعیتی حدود ۱۰ هزار
نفر (۶۵۰۰ خانوار) را در بر می گرفت.
بنابر این اولین اقدام دولت برای آزاد
کردن زمین، می بایست پیرون داشته
روستائیان مزبور از روستاهای عزیز می ماند.
از اینرو، قانون مذکور بمزرات آب و برق
احازه داد زمینهای این دهقانان را از قرار
هکاری ۴۰۰۰ ریال برای مزارعو ۲۵۰۰۰
ریال برای باغات، یعنی همان قیمتی که
چند سال قبل به آنان فروخته شده بود،
خریداری کند. روستائیان تنها حقیق
انتخابی که داشتند، فروش اراضی بود و که
از این بابت پول بسیار ناچیزی بدست
می آوردند. زیرا که اولاً قیمت در سطح
نسبتاً نا زلی تعیین شده بود و د ر ثانی،
بخش قابل ملاحظه ای از همین مبلغ ناچیز
نیز از بابت بهکاری روستائیان در امر
خرید زمینها (بر اساس اجراء و اصلاحات
ارضی) از گد پول پرداختی کسر می شد.
نتیجه عمل این سیاست دولت، آوارگی
تعدادی حدود ۶۵۰۰ خانوار روستائی
بود که عمدتاً بجز پیش پرداختی از طرف
دولت، ثروت دیگری نداشتند. بنابر این
بازار کار تنها پناهگاه آنان می توانست
شمارد.

آنچه مسلم است، روستائیان بارضایت
خاطر و بدون مقاومت زمینهای آبشار و
اجدادی خویش را ترک نکردند. در اینجا
نقش قهر (به صورت قانونی و غیرقانونی) -
تعمین کننده بود. بدین معنی که دولت
باتصویب قانون فوق الذکر، خرید اجباری
اراضی و بالاخره استفاده از سرزمین را در
های زیر دست و ز را برای بهره برداری سرمایه
داران خارجی و داخلی مباح کرد. علاوه بر
قهر، دولت از اختلافات قومی در محل
(مانند اختلاف میان فارس و عرب) نیز
سود جست، و نخست بعلک فارس را بران
(گفتند تا) از آمدن آنان و بزرگوارتر شدن
بودند) عربهای بومی را بیرون راند و سپس
فارسها را از منطقه خارج ساخت. بدین

ترتیب زمین برای سرمایه‌گذاری و به‌سرمد
پردازی گشت و صنعت‌ها آماده شد.
اگرچه استان خوزستان از نقطه نظر
احداث شرکت‌های گشت و صنعت در مرتبه
نخست قرار داشت ولی تنها استانی نبود
که در آن این واحدها احداث شدند. تا
سال ۱۳۵۳، واحدهای بزرگ گشت و
صنعت در استانهای دیگر نیز پدیدار
شدند و بعنوان مثال، در جیفت با ۲
هزار هکتار، در مهاباد با ۲۰ هزار هکتار،
در دشت مغان، و... و دولت همچنان
در نظر داشت که در جهت گسترش این
واحدها اقدامات دیگری بعمل آورد.

علاوه بر مصیبت کردن زمین و باد حقیقت
عرضه زمین به سرمایه داران داخلی و بین
المللی، دولت عهد مد ار احدات شبکه
آبرسانی و تسطیح زمین نیز در رخنه‌زستان
بود. برای انجام این امر نمایان برنامه
چهارم (۱۳۵۱) دولت حدود ۱۰ میلیارد
ریال صرف شبکه آبرسانی کرد، بود که برای
تشکیل آن طی برنامه پنجم نیز بایستی صرف
کرد. در مقابل صرف این هزینه، قرائن بود
که شرکتهای گشت و صنعت آب بهائسی
معادل ۷۰۰ ریال برای هر هکتار در سال
بهره ازند، که در مقام مقایسه با هزینه کل
پروژه مبلغ بسیار ناچیزی را تشکیل می داد.
بهر حال، آب و زمین تنها عاملی نبودند
که دولت شاه بهمن بخش در اختیار سرمایه
داران بین المللی قرار داد، بلکه این سرمایه
داران از مزایای دیگری نیز بهره‌مند شدند
که بعنوان مثال می توان بهد و مورد زیر اشاره
داشت:

— شرکتهای گشت و صنعت اجازه یافتند تا جدیدترین وسائل و تجهیزات و نیز نهادهای کشاورزی (مانند کود شیمیایی) را بدون پرداخت حقوق گمرکی وارد کنند. بدین ترتیب شرکتهای مزبور بهمانه اینک تراکتورهای (رومائی) مونتاژی را می توانند مورد استفاده قرار بدهند و بهترین وجه بدین نوع تراکتور را از آمریکا وارد کردند و با اقدام به وارد کردن برخی انواع کسور شیمیائی کردند که در ایران ساخته نمیشد.

— شرکتهای مزبور از راههای کلان بهمانه نسبتاً کم دولت بهرمندی می شدند و نرخ بهره حدود ۵/۹ درصد برای گشت و صنعتها بود که ظاهراً کمتر از نرخ بهرهای بود که بانکها از دیگر وام گیرندگان دریافت می داشتند. میزان وام نیز بسیار سخاوتمندانه و کلان بود. بعنوان مثال، طبق گزارش دفتر خد مات بدیوت و در سال ۱۹۷۶ چهار شرکت یعنی ایران — کالفرنسیا، ایران شلکات، گشت و صنعت ایران و آمریکا شرک کشاورزی بین المللی ایران) مجموعاً مبلغی حدود ۲ میلیارد ریال وام گرفتند. برای دریافت سیاست دست و دل باز دولت نسبت به این شرکتها امتیاز بمقایسه زیر دست زد: در حالیکه در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) حدود ۲/۷ میلیون خانوار روستائی مبلغی حدود ۱/۴ میلیارد ریال وام گرفتند، چهار شرکت فقه در صفحه ۱۷

ساخت اقتصادی...

فوق الذکر از وامی به میزان ۲ میلیارد ریال بهره‌مند شدند. بهرحال، علیرغم تمامی این تسهیلات و امتیازات، این کشت و صنعت بهادراواصل دهه ۱۳۵۰ یعنی قبل از رسیدن به مرحله بهره‌برداری کامل، ورشکست شده و دولت ظاهراً مجبور شد عهد مدارا را به این شرکت‌ها شود. غیر از شرکت‌های کشت و صنعت کارون و هفت تپه خوزستان، صفان در آذربایجان و برخی دیگر هم زمان با آغاز جنبش انقلابی در سال ۱۳۵۷ تأسیسات شرکت‌های کشت و صنعت (خصوصی در خوزستان) مورد هجوم روستائیان قرار گرفت. بعنوان مثال، کشت و صنعتی بنی‌الطی فوق‌الذکر، کلاً از میان رفته، زمین‌های آنان تقسیم شد و تجهیزاتشان به‌کل گوناگون از میان رفت.

خلاصه کنیم - در این مقاله مجموعه شیوه‌های تولید و قسرندهی دهقانان در روستاهای ایران بطور اجمالی بررسی شد. دو تصویر از ساخت اقتصادی - اجتماعی روستاهای ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی بدست داده شد و روند گذار از اولی به دومی تشریح شد. در دوره قبل از - اصلاحات ارضی، در شیوه تولید فتودالی و داری بگونه‌های بهم آمیخته به روستاها می‌بود. شیوه تولید فتودالی (باتوجه به درامدگشیش با شیوه تولید سرمایه‌داری) وجه مسلط اما می‌نرند و شیوه تولید سرمایه‌داری وجه پویا و رویش ساخت اقتصادی روستاها را تشکیل می‌داد. بدین طریق بخیرمد های از ارزش تولید شده توسط تولید کنندگان به واسطه بهورت بهره مالکانه که مزاحم (بهرمنشی مخفی) وجه غالب آن بود، به دست استعمارکنندگان می‌رسید. اگرچه توسعه سرمایه‌داری در ایران حدوداً از یک دهه قبل شروع شده بود، لیکن حاکمیت دولت فتودالی و سپس نه فتودالی (با مشخصه نفوذ شد پسند نمایندگان سیاسی فتودالیم در حکومت) و سلطه استعماری امپریالیسم، دوران گذار از فتودالیم به سرمایه‌داری را طولانی و بطش ساخت و ساختارگذاری با مشخصه مجموعه بهم آمیخته از شیوه تولید فتودالی و سرمایه‌داری را جان سخت نمود. اما زمینهای که توسعه سرمایه‌داری فراهم نموده بود، به علاوه بحران اقتصادی - سیاسی اواخر دهه ۱۳۳۰ که اساساً تناقضات روبه تکامل ساختارگذاری را منکسر می‌نمود، لزوم تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه که محور آنرا اصلاحات ارضی تشکیل می‌داد را بیش از پیش ضروری گرداند. لزوم این تغییر نه تنها با سیاستهای نو استعماری امپریالیسم هم خوانی داشت، بلکه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بنظر از میان برداشتن موانع فتودالی تسلط سرمایه -

داری وابسته برای ایران و ادغام ارگانیک آن در سرمایه‌داری جهانی و همچنین تثبیت قدرت دولتی و از میان برداشتن زمینهای جنبش‌های رهاشی بخش ضد استعماری و ضد فتودالی و از این طریق مقابله با کنونیسم و جنبش‌های (بالقوه) توده‌ای، رژیم را جهت تغییرات مورد نظر خود تحت فشار قرار داد. بدین ترتیب در خلا یک جنبش انقلابی - دموکراتیک، شیوه ارتجاعی - بورژوازیاتیک حل تناقضات دوران گذار بهر جامعه مسلط شد که در دوران اصلاحات ارضی امپریالیستی قرار داشت.

برنامه اصلاحات ارضی طی چندین مرحله به‌طور اجمالی در یک شماری عمومی، هر مرحله از یکسو بپایانید مبارزه طبقاتی و از سوی دیگر بپایانید توسعه سرمایه‌داری و روبه انحصار گذاردن سرمایه حاکم انطباق نسبی داشت. با اجرای این مراحل چند نتیجه حاصل شد: اولاً نیروی کار برای صنایع و بخصوص کارهای غیر تخصصی (مانند ساختمان و جاد سازی و ...) از دهقانان خلاصه شده فراهم آمد؛ ثانیاً در روستاها شرایطی نسبتاً مناسب برای سرمایه‌داری پدیدار شد که همزمان با رشد سرمایه‌انحصاری و درجای امکانات بهتری در اختیار سرمایه‌دارها قرار گرفت؛ ثالثاً عرضه کالا های کشاورزی در مراکز شهری گسترش یافت بطوری که اغلب روستائیان با بازار ارتباط برقرار کردند و بدین ترتیب تولید کالای در روستاها گسترش یافت؛ رابعاً کالا های ساخته شده در مراکز شهری به روستاها و دور و نزدیک نفوذ کرد و بدین ترتیب بازار داخلی محصولات صنعتی گسترش نیافت.

از نقطه نظر شکل بندی طبقات، اصلاحات ارضی و تحولات اقتصادی پس از آن، قسرندهی روستائیان را شدیدا تقویت کرد که بهترین نتیجه آن از یکسو گسترش سریع و وسیع کارگران و نیمه بملتهای روستایی بود و از سوی دیگر بورژوازی روستا و نیز سرمایه‌داران کشاورزی تقویت شده و اقدام استفاده از ماشین آلات کشاورزی در گاشت، داشت و برداشت کردند.

اصلاحات ارضی بورژوا - امپریالیستی دهه ۱۳۴۰ مناسبات سرمایه‌داری را در روستاها مسلط کرد و آنرا گسترش داد، اما این گسترش ناموزون بود. بطوریکه درجه توسعه سرمایه‌داری در مناطق مختلف شدت تفاوت بوده و حتی در یارهای از نقاط بقایای فتودالیم همچنان به روستاها سنگینی می‌کند (کردستان، سیستان و بلوچستان). به علاوه به علت تسلط راه پروسی توسعه سرمایه‌داری، اصلاحات ارضی "بمعنای تجدید و تعدیل مالکیت زمین و درآمد ناشی از آن" عملکردی نیافت و به دلیل مجموعه‌ای از عوامل که در راس آن برانید مبارزه طبقاتی قرار داشت، چنین هدفی را اصولاً دنبال نمی‌کرد. و بالاخره بعنوان نکته خانه باید توجه داشت که توسعه سرمایه‌داری و قطب بندی شده طبقات در روستاها بمعنای افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی (باتوجه

به درجه توسعه سرمایه‌داری در هر برهه از زمان) و تأمین انواع محصولات کشاورزی اعم از غذائی و یا صنعتی از داخل نبود، بلکه برعکس، از یکسو به دلیل گسترش سریع شهرنشینی و تزریق درآمد های هنگفت نفت به جامعه (خصوصی مراکز شهری) شرایط فراهم آمد تا تقاضا برای انواع محصولات کشاورزی سریعتر از عرضه این محصولات افزایش یابد؛ و از سوی دیگر پائین بودن نرخ سود در بخش کشاورزی، در مقایسه با سایر بخش های اقتصادی سرمایه‌گذاری در این بخش را کند می‌کرد. این مشخصه بخش کشاورزی در ایران پس از اصلاحات ارضی، بویژه بعد از افزایش قیمت نفت بارزتر شد.

رژیم شاه بخش عظیمی از درآمد حاصله از مد و رفعت را به جامعه تزریق کرد و این امر بویژه از طریق رونق فزاینده صنایع ساختمانی، موجب افزایش شدید تقاضا برای نیروی کار شد. این افزایش از یک سو سطح دستمزدها در مراکز شهری و در نتیجه گسترش روند مهاجرت روستائیان به شهرها را در پی داشت. اختلاف سطح درآمد در شهر و روستاها باعث ازای زیاد شد که ده‌ها دهی از روستائیان خرد میا کار کشاورزی خود را رها کرده و به همراه کارگران کشاورزی در شهرها به کارگری پرداختند. فرار نیروی کار جوان و فعال از روستاها و در نتیجه افزایش دستمزدها در این مراکز باعث تثبیت نسبی قیمت کالا های کشاورزی هم‌امبود. مجموعه این عوامل موجب کاهش نسبی نرخ سود در کشاورزی و در نتیجه رکود این بخش اقتصادی شد که این خود بفرار سرمایه و نیروی کار از بخش کشاورزی شدید امر امن می‌زد.

بهرحال، باتوجه به آنچه که مختصراً در ساخت اقتصادی روستاها و قسرندهی دهقانان بیان شد، و باتوجه به روند سه ساله ارضی و دهقانی پس از قیام بهمن ماه که در مقاله "سیری بر سه ساله ارضی" ارائه شد، مشاهده می‌شود که سه ساله ارضی به ثوابه از میان برداشتن مناسبات تولید ماقبل سرمایه‌داری و بسط مناسبات سرمایه‌داری اساساً و من حیث المجموع تحقق یافته است. با این وجوب بطوریکه مشاهده شد معضلات بخش کشاورزی و مسائل دهقانی همچنان پابرجا است.



پیام هیئت تحریریه صدای فدائی:

آغاز فعالیت صدای فدائی و طولانی شدن دوره آزمایشی

سازمان پهنشاز طبقه کارگر ایران، بسیار سرفرازیم تنها سازمان سیاسی ایران بودیم که با استمرار کامل انتشار يك نشریه سراسری، در سخت ترین و خفقان آمیز - ترین شرایط پلیسی، این ارتباط را حفظ کرده و بدین شکل منجمد نریزادیم. اما علیرغم این تلاش، اختناق پلیسی رژیم جمهوری اسلامی، که حتی با خشن ترین حکومتهای فاشیستی هم قابل قیاس نبود، و نیست، مانع از آنست که نشریه کارگران سراسری سازمان بتواند بمراحتی در اختیار توده وسیع مردم و به ویژه طبقه کارگر ایران قرارگیرد. از اینرو ایجاد يك مرکز راديوئی مشابه ارگان ارتباطی سازمان با توده های انقلابی به يك امر اجتناب ناپذیر تبدیل شد و از اولین ماههای سال ۶۰ یعنی از همان اولین روزهای آغاز تعرض آشکار و علنی رژیم به سازمانهای انقلابی و جنبش توده مردم، در دستور کار سازمان قرار گرفت اما ضربات سخت اسفند ماه ۶۰ مشکلات ناشی از آن، اقدامات علی برای تأسیس راديو را نیمه کاره گذاشت و همه انرژی سازمان، روی سازماندهی مجدد و انتشار منظم نشریه کاربنابه اهمیت نقش سازمان در تمرکز گردید.

سازمان پس از فائق آمدن بر مشکلات ناشی از ضربات اسفند ماه، مجدداً - فعالیت جدیدی را برای ایجاد راديو فدايی آغاز کرد و علیرغم همه دشواریهای فنی و مشکلات مالی، اولین فرستنده راديوئی سازمان به ویژه بهیاری سرده انقلابی به صورت آزمایشی در اواخر سال گذشته شروع به کار کرد. اما متأسفانه بدلیل همان ضعف مالی، دوره آزمایشی راديو بسیار طولانی شد و نتوانست برنامه های عادی خود را سرعاً آغاز نماید. هرچند در طی تمام این مدت، تنها و فقط با جدیت و پشتکار دائمی رفقای فنی راديو، صدای آزمایشی از وطن ناپستاد ولی ابزار و وسائل ضروری برای استقرار دائم - بقیه در صفحه ۱۵

بزرگترین رویداد های جهان مطلع گیم و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، با شد بدترین فشار و خفقان، با تیر و تیر - باران و شکنجه و باوحشیانه ترین شیوه سرکوب پلیسی، حداقل ارتباط میان مبارزه انقلابی توده های مردم را بسیار دشوار کرده است، شمار راديوهای اخبار مبارزات جنبش های انقلابی منطقه ای و جنبش های وسیع محلی قرار داده و مبحث از همه اختصایات کارگری کارخانجات عظیم صنعتی مشابه سنگ بنای پیروزی انقلاب ایران قرار دهیم. اما اینهمه کافی نیست، هیچ جنبش محلی، هیچ اعتراض پرانگنده و هیچ اعتصاب منفرد - کارخانه ای و غیره نمی تواند کارگران و زحمت - کشان انقلابی ایران را به پیروزی عظیم خود برساند و اینهمه بدون تشنگ، بدون ایجاد ارتباط عمیق و بدون سازماندهی واقعی آن ممکن نخواهد گشت. پیروزی مادر گوی سازماندهی و تشنگ ماست. ما به مشابه

کارگران، زحمتکشان، مردم ریزنده و انقلابی ایران! از مدتها پیش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار يك جمهوری دموکراتیک را که در آن حد اکثر آزادیهای سیاسی اجتماعی مردم زحمتکش مهمن ما تأمین شده باشد، به مثابه وظیفه فوری سیاسی در دستور کار خود قرار داده است. این وظیفه، امروز باید ایش جرعه های پیولاد جنبش توده های در تهران و بعضی شهرهای بزرگ ایران هرچه بیشتر برجسته شده است. ما بسیار سرفرازیم که در چنین شرایط پرفشاری می توانیم صدای خود را به گوش شما کارگران آگاه و انقلابی، زحمتکشان مبارز و همه مردم بيدار و آزادخواه ایران برسانیم. ما بسیار خوشوقتم از اینکه می توانیم در این لحظات حساس تاریخی، شمار از جریان واقعی اخبار ایران و



یادداشتهای سیاسی

اجرای قوانین قرون وسطائی بانکداری پیشرفته

شرایطی که فقر و فلاکت بيدار می کند و به همین دلیل نیز دزدی و سرعاً - افزایش چشمگیری یافته است، این سرپرست مزدور پلیس قضائی با وقاحتی وصف ناپذیر در مورد افزایش سرعاً و سارقین می گوید: "تصور نمی گیم که در جمهوری اسلامی کسی باشد که در رابطه با تنه نان و یا پوشاک و یا چیزهای دیگر این کار را انجام دهد". زهی وقاحت و بی شرمی!! در حالیکه بیشترین دزدی ها، کلاه - برداریها، اختلاسها و... توسط سردمداران و مقامات بالای حکومتی صورت میگیرد اما دزدان خرد و یا هیوار به دام می افتند و از این پس شاهد آن باشیم که با یکار افتادن ماشین برش هر روز برخیل معلولان جامعه افزوده گردد و شاید که این مهربانان جمهوری خون و جنایت اسلام پناهان بیش از پیش رسوایشان سازد.

از مدتها پیش که قانون ارتباطی قصاص مورد تصویب رژیم قرار گرفت، اجرای "حد شرعی" سرقه از عبارت از بردن دست بود در دستور کار جلادان خمینی قرار داشت. و مواردی بسیار نیز به مرحله اجرا درآمد. اما اخیراً جمهوری اسلامی موفق شده است تا این عمل جنایتکارانه را با توسل به بازارهای مهربان علی مازد بطوریکه در کیهان ۳۰ آبانماه، سرپرست پلیس قضائی اعلام کرده است: "پلیس قضائی وسیله ای بنام ماشین برش برای قطع دست سارقین که بسیار سریع عمل می کند آماده کرده است". این وسیله جدید قطع دست بنابه گفته سرپرست پلیس قضائی، مورد نظر خواهی مراجع "در علاج نیز گویا قرار گرفته است از جمله پزشکی قانونی، وزارت بهداشت، دانشگاه های پزشکی و آید. تهران و دانشگاه بهشتی در مورد آن نظرداده اند. در

کردستان انقلابی...



در صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق